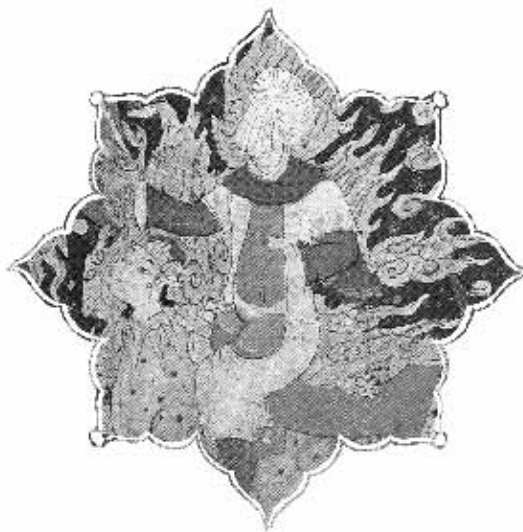


# پیامبران اولوالعزمی دنگاره‌ها قصص الانبیا ابو اسحاق نیشابوری



## چکیده

قصص الانبیا، قصه‌های نقل شده در خصوص حوادث و شاخصه‌های مهم زندگی پیامبران در کتاب آسمانی مسلمانان، قرآن است. هدف اصلی نقل این روایات، دعوت انسان‌ها به سوی خداوند و نگاهی عبرت‌آمیز به گذشتگان می‌باشد. نقل این داستان‌ها به وسیله هنرمندان نگارگر، خوشنویس و مفسران قرآنی، در مقابل هجوم تبلیغات هنرمندان دیگر بلاد، که نقاشی را جایگاهی برای تبلیغ ادیان خود قرار داده بودند، بدان جهت بوده است تا با استفاده از مضامین مذهبی و روایات قرآنی، تفکر و بینش دینی مسلمانان را در سراسر بلاد مسلمانان گسترش و تحکیم بخشند. در ابتدا این مضامین بدون تصویر در نسخ ادبی مسلمانان مورد استفاده قرار گرفت. در دوره‌های بعد با کمک تصویرسازی و هنر تزیین کتب و نسخ خطی، این نسخه‌ها مزین به تصاویری جهت بهتر نمایان ساختن مفاهیم ادبی، گشت.

در این مقاله سعی بر آن است تا به بررسی نسخه‌های مختلف قصص الانبیا و داستان‌های نقل شده قرآن در آن‌ها، با موضوع پیامبران اولوالعزم بپردازد.

سؤالاتی که در این مقاله پاسخ داده می‌شود:

- ۱- جایگاه بررسی نسخه خطی قصص الانبیا در مطالعات ادبی ایران چیست و چه تعداد از این نسخه تاکنون به دست ما رسیده است؟
  - ۲- مضامین مورد استفاده در این نسخه کدام است؟
  - ۳- پیامبران اولوالعزم در نگاره‌های نسخه‌های قصص الانبیا چه جایگاهی دارند؟ و در پاسخ به این پرسش‌ها، اهداف زیر مورد نظر بوده است:
    - ۱- دستیابی به مضامین نگاره‌های موجود در نسخه خطی قصص الانبیا
    - ۲- شناسایی و تحلیل نگاره‌های قصص الانبیا براساس مضامین و داستان‌های پیامبران اولوالعزم
- شیوه‌کار در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و جمع‌آوری مطالب و تحلیل و تفسیر نگاره‌ها بر اساس مطالب و یافته‌های دوره‌های تاریخی می‌باشد.

واژگان کلیدی: قصص الانبیا، مکتب نگارگری صفویه، پیامبران اولوالعزم، مضامین نگاره‌ها.

## مقدمه

هنر اسلامی در واقع هنری است که حاصل تفکر و بینش دینی مسلمانان در مواجهه با آثار هنری بیگانگانی است که هنر آن‌ها در ضمن فتوحات اسلامی، تسخیر و تصرف شده و به تدریج در حکم مواد در صورت و روح هنر اسلامی هضم و جذب شده‌اند. قرآن و روایات معصومان اسلامی، نخستین راه‌های چگونگی تخیل و تفکر، در باب عالم وجود و تمثیل معنویت اسلامی را در عرصه خیال به آدمی آموخت.<sup>۱</sup>

در این میان قصه از مفاهیمی است که در قرآن از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. اختصاص بخش عظیمی از آیات الهی به قصص، نشانه‌های آشکار این امر به شمار می‌آید، چنان که پروردگار عالمیان قصه‌ها را برای جامعه انسانی، نوعی عطیه الهی می‌داند که در آن خبرهای گذشته و سرگذشت انبیاء و امت‌های پیشین نقش بسته است.<sup>۲</sup>

قرآن معجزه جاوید الهی است و مهمترین جنبه‌ی اعجاز آن، هنر کلامی است. بیان قرآنی، پدیده‌ای شگفت‌انگیز بوده و زیبایی خیره‌کننده‌ای دارد. جاذبه و کشش در آن موج می‌زند و سخنش بر اعماق جان می‌نشیند و این راز جاودانگی قرآن است. در حقیقت خداوند برای پیامبر خاتم، معجزه‌ای را برگزیده است که دارای اوج تعالی و کمال می‌باشد و از چنان قدرتی برخوردار است که تا پایان این جهان فانی، نیروی بشر را قدرت برابری و دسترسی به آن نیست.<sup>۳</sup> هر کلام نمایانگر تصویری است. این تصویر می‌تواند به اجمال طرح شود یا در سیري متوالی به تصاویر بسیار متنوع تبدیل گردد. از آن‌جا که صورت منعکس در آینه خیال هنرمند، حقیقت اثر هنری است، همه هنرها وجه مشترکی در تصویر می‌یابند. از این رو هنر نگارگری، صحنه هم‌سخنی چندین هنر، همچون نقاشی، شعر، خوشنویسی، معماری و دیگر هنرهای سنتی است. دوره‌های مختلف نگارگری، نشان‌دهنده سیر این تعامل و جلوه‌گری هنرها در یک نگاره است.<sup>۴</sup> بسیاری از نویسندگان، اعتراف می‌کنند که کم‌تر ملتی به قدر ایرانیان، در هنر نگارگری توانمندی خویش را نشان داده است. ارزش تصاویری که نخستین بار در نسخه‌های خطی دوره ایلخانی پیدا شد و پیشگام نقاشی دینی اسلامی بود، از این جهت نیست که آن تصاویر ناشی از عوامل تحول و تکامل نقاشی دینی بعد از آن بود، بلکه از این جهت است که این تصاویر نمایانگر زیر بنای جهش نیرومندی در نقاشی ایرانی در طول سده‌ی چهاردهم/هشتم است. از نکات اساسی در باب نگارگری ایرانی، به روایت بسیاری از نویسندگان، ایرانیان نگارگر شیعه بودند که در نقاشی دینی نوآوری ایجاد نمودند؛ هر چند به روایت ثروت عکاشه، این تیموریان سنی مذهب بوده‌اند که نخستین بار، کشیدن تصویر پیامبر را جایز دانسته‌اند. در این دوره نوعی نگارگری اولیاء و انبیاء شکل گرفت که در تصاویر نسخه‌های مذهبی از هاله‌های نورانی اطراف سر اولیاء و روئندهایی که چهره آن‌ها را می‌پوشاند، استفاده می‌شد. اما در گذر زمان، گونه معنوی‌تری از تاریخ نگاری تکوین یافت که از ادبیات تاریخی متفاوت بود. در دوره‌های بعد، مسلمانان ضمن بهره‌گیری از تصاویر اولیاء به تصویرگری دیگری پرداختند که احساسات قدسی بینندگان را بر می‌انگیخت. در چنین فضایی، نگارگری اولیاء کارآمد و موجب تهییج احساسات مسلمانان در سرزمین‌های اسلامی، به‌خصوص ایران، عثمانی و هند شد و در دفع فرهنگی مآبی محض مؤثر افتاد. نقاشی دینی در محیط فرهنگی متأخر اسلامی و شیعی، بعضاً برای القای معانی‌ای مانند بیم دادن از دوزخ و امید دادن به بهشت و تشویق به اطاعت الهی در آمد.<sup>۵</sup>

در میان این مضامین تاریخ نگار، قصه‌های برگرفته و نقل شده در کتاب آسمانی مسلمانان، قرآن، وجه ممتازتری داشته و بیشتر مورد توجه بوده است. در این مقاله توجه اصلی بر روی نگاره‌ها و نگارگری‌هایی بر گرفته از داستان‌های پیامبران (پیامبران اولوالعزم) نقل شده در قرآن است. لذا در این‌جا ابتدا تحلیلی بر قصه‌های قرآن و پیامبران خواهیم داشت. در بخش بعد تأثیر هنر شیعی دوران صفویه بر تصویرسازی کتب مذهبی بررسی می‌شود سپس به مطالعه نسخه‌های موجود قصص الانبیا که در خلال سده‌ی شانزدهم/دهم مصور شده‌اند می‌پردازیم. در بخش عمده مقاله به بررسی تصاویر موجود قصص الانبیا ابواسحاق نیشابوری مفسر سده‌ی یازدهم/پنجم به جهت اهمیت ادبی و محتوایی پرداخته می‌شود.

۱- مهناز، شایسته‌فر، تأثیر سیره پیامبر (ص) بر هنر نگارگری و معماری اسلامی، دو فصلنامه مطالعات اسلامی، سال سوم، شماره ۵، محل نشر: تهران، ناشر: موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰.

۲- محمد تقی، ملبوبی، روش شناسی قصه در قرآن، کتاب ماه هنر، شماره ۱۲، تهران، خانه کتاب ایران، ۱۳۷۸، ص ۲۴.

۳- همان، ص ۲۷.

۴- محمد علی، رجبی، جلوه‌های آیات و اذکار در نگارگری اسلامی ایران، کتاب ماه هنر، شماره ۱۲، تهران، خانه کتاب ایران، ۱۳۷۸، صص ۱۷-۱۶.

۵- محمد، مددپور، نظری و تأملی در باب صورتهای خیالی اولیای الهی در نگارگری ایرانی اسلامی، پایگاه رسمی انتشارات سوره مهر، ۸۶/۱۱/۳۰ - ساعت ۲۱:۴۱

www.aftab.ir/articles/art\_culture/painting

تأثیر مذهب صفوی بر تصویرگری کتب مذهبی

حکومت صفویان، حکومتی مذهبی و بر پایه تشیع بود. با تأسیس این حکومت، مقطع جدیدی در تاریخ ایران گشوده شد، حاکمان صفوی علی رغم فشارهای داخلی و جنگ های خارجی، ۲۲۵ سال در ایران حکومت کردند.

مذهب در این دوره ریشه مذهبی در ادوار قبلی خود داشت، و نیز به جهت این که زمینه بسیاری از تحولات اجتماعی، سیاسی و مذهبی در دوران بعدی را پدید آورد، اهمیت ویژه‌ای در تاریخ اسلام و ایران یافت. تشیع در جایگاه تفکری مذهبی- سیاسی در دل توده‌های مردم ایران نفوذ ویژه و خاصی داشت و جنبش‌های مردمی را علیه ظلم و حکام رهبری می‌کرد، لذا بعید به نظر نمی‌رسید که زمانی به عنوان مذهب رسمی اعلام شود.

برخورد احتیاط‌آمیز اسلام در مورد برخی از هنرها- از جمله نقاشی- از همان آغاز سبب شده بود، هنرمندان برخی از رشته‌های هنری تا دوره صفویان، که از خاندان تصوف برخاسته بودند، هم‌چنان از حمایت علمای دین محروم باشند. اما شاهان صفوی راه را به روی هنرمندان اغلب رشته‌ها باز کردند. در عین حال با تبدیل شدن امپراطوری صفوی به قدرتی سیاسی که تا سده‌ی شانزدهم/ دهم نیز ادامه یافت، تصویرسازی متون مرتبط با وقایع تاریخی، همانند آنچه در مورد تصویرسازی نسخ دیگر در سده‌ی پانزدهم/ نهم اتفاق افتاده بود، مورد توجه قرار گرفت. این تصاویر و وقایع مربوط به آن‌ها غالباً مضمونی هنرمندانه داشته و نوعی گرایش مذهبی در آن‌ها دیده می‌شود. در دربار عثمانی نیز مشابه این موضوع دیده می‌شود که به احتمال قوی حاصل رقابت این دربار با دربار صفوی بوده است و عجیب نیست که در آن دوران، در کنار تصویرسازی متون مختلف، شاهد تدوین تعداد زیادی نسخ مصور با موضوع‌های تاریخی و مذهبی باشیم. چون ایران عهد صفوی، کشوری بود با سیاست خاص مذهبی، بسیاری از معنویات را تحت‌الشعاع خود قرار می‌داد. شاهان صفوی تمام سعی خویش را در تشویق مذهب و ترویج معنویات در جنبه‌های هنری و فرهنگی به کار می‌بردند.

ادبیات در عهد صفوی- به استثنای ادبیات مذهبی- رو به انحطاط نهاد چرا که شاهان صفوی به امور دیگری مانند کشورداری و کشورگشایی مشغول بودند. تشویق دربار صفوی به افزایش آثار مکتوب، مطالعه‌های مذهبی و اعمال سیاسی آنان، تأثیر مستقیمی در ادبیات و دیگر هنرها گذارد و سبب رونق خواندن و نوشتن کتب مذهبی شد. از نمونه‌های بارز آن کتاب روضه الشهداء نوشته حسین بن علی بیهقی سبزواری معروف به واعظ کاشفی (متوفی ۹۱۰/۱۵۰۳) است که مربوط به مجالس عزاداری امام حسین (ع) است. همچنین برخی کتب مذهبی مانند جوامع‌التواریخ، تذکره‌ی الاولیا و قصص‌الانبیا ابواسحاق نیشابوری دوباره نسخه‌برداری شدند. در آن زمان، سبک نقاشی و هنر کتاب‌آرایی، برگرفته از مذهب بود. به‌طور کلی وجود هنرمندان و دانشمندان دینی دربار شاهان متعصب شیعی مذهب، سبب شد که فرهنگ و هنر در عهد صفوی، صورت مذهبی و معنوی به خود گیرد.

نقاشی مذهبی، در سایه امنیت و حکومت دینی رونق یافت و هنرمندان به مصورسازی نسخ مذهبی علاقه خاصی پیدا کردند و از این طریق ارادت و احترام خود را به اهل‌بیت نشان می‌دادند. از آن‌جا که در دین اسلام- بنابر آنچه در قرآن آمده- همه پیامبران الهی دارای ارج و قرب الهی هستند، در کنار پرداختن به موضوع زندگانی حضرت محمد (ص) و امامان (ع)، شاهد اهمیت دادن به مصورسازی قصص‌الانبیا نیز هستیم.

سبک نقاشی با گرایش و دیدگاه شیعی که پیش از آن با حمایت تیموریان در سده‌ی پانزدهم/ نهم رواج یافته بود، به اوج خود رسید و پیوند عناصر روحانی و حقانیت شیعه را تداوم بخشید.

نگارگری اسلامی سیر تحول خود را به‌سوی کمال از دوره مغول آغاز و در دوره جلایریان به اوج رسانده و از تیموری به بعد، شاهد جلوه‌های به بار نشست تلاش دوره‌های گذشته هستیم. در این دوره با توجه به گرایش تدریجی حکام ایلخانی و تیموری به دین اسلام و اسلام آوردن آن‌ها، تأثیراتی در هنرهای مختلف از جمله هنر نگارگری و کتاب‌آرایی دیده می‌شود که از آن جمله، دستور تهیه نسخ خطی با مضامین مذهبی و یا به تصویرکشیدن صحنه‌های مذهبی موجود در ادبیات و داستان‌های ادبی است. بنابراین از این دوره به بعد، که نگارگران مسلمان زمینه

اجتماعی و سیاسی را برای دین‌ورزی آزادانه، مساعدتر می‌دیدند، بخش وسیعی از هنر خود را به خدمت تصویرگری کتب مذهبی و چهره‌نگاری پیامبران و ائمه معصومین درآوردند.<sup>۸</sup> در دوره صفویه کتب قدیمی، بازنویسی یا نسخه‌برداری شدند. مانند جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تذکره‌ی الاولیا فریدالدین عطارنیشابوری، قصص‌الانبیاء ثعلبی و کلیله و دمنه نصرالله منشی و حیره‌الابرار جامی.<sup>۹</sup>

قصص‌الانبیاء و تحلیلی بر قصه‌های قرآنی  
فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّكُمْ يَتَفَكَّرُونَ حکایت‌ها را برای مردم بگو، باشد به فکر آیند» سوره اعراف- آیه ۱۷۶.

کلمه‌ی «قصص» در عربی بر وزن «عسس» که واژه «قصه» از آن گرفته شده بیشتر به روایت یا رویدادی واقعی در زمان گذشته دلالت دارد.

قصه در لفظ عربی به معنی پی‌گرفتن یا داستان پی‌گرفته در گذشته است. قصه‌گویی در قرآن با این معنا پیوندی نزدیک دارد. وقایع گفته شده در قرآن، برخی متعلق به گذشته دور و برخی گذشته نزدیک است و هدف آن‌ها عبرت است.<sup>۱۰</sup>

قرآن معجزه جاوید الهی است و مهم‌ترین جنبه اعجاز آن، هنر کلامی آن می‌باشد. قصه در قرآن با قصه در مفهوم عام آن در ادبیات و فرهنگ بشر متفاوت می‌باشد، چرا که قرآن از فرهنگ و ویژگی‌های سرچشمه گرفته و حقیقت این فرهنگ، طرح معارف الهی و حقایق جهان است. این ویژگی سبب شده، هرچه در آن یافت گردد، با فرهنگ و روح کلی حاکم بر این کتاب آسمانی سنجیده شود.<sup>۱۱</sup>

مهم‌ترین هدف داستان در قرآن، دعوت انسان به سوی خداوند است. داستان‌های گذشتگان در قرآن به شیوه‌های مختلف در خدمت هدف اصلی دین که همان دعوت انسان‌ها به سوی خدا و رستگاری انسان‌هاست، قرار می‌گیرد.

داستان‌های قرآن اغلب روایت پیامبران، قبل از حضرت محمد (ص) را بازگو می‌کنند. در هنگام روایت قصص‌الانبیاء، در پایان، میان یا ابتدای قصه، همواره بر این مهم تأکید می‌شود که ادیان پیشین و دین اسلام، همگی از گروه ادیان توحیدی و از جانب خداوند بر انسان‌ها نازل شده‌اند. به این ترتیب قصه‌های پیامبران گذشته با این نگره قرآنی، به نحو بسیار زیبایی با سرگذشت حضرت محمد (ص) گره زده شد و پایه وحدت تمام ادیان توحیدی گشت.

قصه‌های قرآنی از دیدگاه ادبی واقع‌گرا محسوب می‌شوند، زیرا خصیصه اصلی این قصص آن است که حق بوده و به حق واقع شده‌اند. همانا این داستانی است راست و درست سوره آل‌عمران- آیه ۶۲.<sup>۱۲</sup>

به‌طور کلی سیر داستانی قصه‌های قرآن شامل دعوت پیامبران، تکذیب آن‌ها از سوی قوم و در نهایت نازل شدن عذاب الهی بر قوم و در برگرنده پیام الهی است که پیامبران هم سرگذشت واحد و هم پیام واحدی داشته‌اند.

در نگارگری ایرانی، قصص قرآن با نام‌های قصص‌الانبیاء، سیرالنبی، انبیا نامه، فالنامه، معراج‌نامه، آمده است. البته در کتاب‌هایی نظیر جوامع‌التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله نیز تعدادی از داستان‌های پیامبران شرح و تصویر شده است.<sup>۱۳</sup>

در داستان‌های قرآنی، سه عامل برجسته وجود دارد: شخصیت، رویداد، گفتگو، در بیشتر داستان‌هایی که مستقیماً به پیامبران و مؤمنان مربوط است، نقش شخصیت غالب است مثل حضرت ابراهیم (ع)، برخی از قصه‌ها به نحوی تنظیم شده است که رویداد در آن‌ها مرکزیت دارد، مثل داستان اصحاب کهف. در تعدادی از آن‌ها نیز گفتگو در شکل‌گیری‌شان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد مثل: داستان یوسف و زلیخا. برخی دیگر از قصص به‌گونه‌ای است که هر سه عامل در شکل‌گیری آن‌ها محوریت دارد، مانند معراج رسولاکرم (ص). در قصص قرآن، خواه شخصیت محور باشد یا رویداد یا گفتگو، توازن و ارتباط در بین عناصر، به‌نحو ظریفی حفظ می‌شود و استمرار می‌یابد و خواننده را همراه و مجذوب خود می‌سازد. حرکت، زمان و مکان در قصص نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. حرکت و زمان با یکدیگر در شکل‌گیری داستان‌ها دخیل اند و ساختار آن را تعیین می‌کنند.<sup>۱۴</sup>

- ۸- مهناز، شایسته‌فر، تأثیر سیره پیامبر(ص) بر هنر نگارگری و معماری اسلامی، پیشین، ص ۱۲۰.
- ۹- مهناز، شایسته‌فر، هنر شیعی، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۷.
- ۱۰- مهدی، حسینی، قصص‌الانبیاء به روایت تصویر، فصلنامه خیال، شماره ۱۳، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۴، صص ۱۱۰-۱۱۴.
- ۱۱- محمدتقی، ملبوی، روش‌شناسی قصه در قرآن، پیشین، ص ۲۴.
- ۱۲- محمد تقی، ملبوی، روش‌شناسی قصه در قرآن، پیشین، ص ۲۵.
- ۱۳- مهدی، حسینی، قصص‌الانبیاء به روایت تصویر، پیشین، ص ۱۱۶.
- ۱۴- همان، ص ۱۱۵.

کتاب ادبی قصص الانبیا در مسیر ادبیات اسلامی

کتاب قصص الانبیا به اثری اسلامی گفته می‌شود که داستان‌ها و وقایع نقل شده در قرآن، به دو زبان عربی و فارسی در آن اشاره شده است. نخستین نسخه، مربوط به سده‌های هفتم/ اول یا هشتم/ دوم است. از نظر سبک نگارش کتاب قصص الانبیا، بیان سنت شفاهی از قوصاص<sup>۱۰</sup> تا دیدگاه نظریه‌پردازی علما را به تصویر می‌کشد. برخی از مفسران قرآن نیز، عناصر ادبیات مذهبی و تاریخ‌نگاری را با هم مورد استفاده قرار داده‌اند.

از نویسندگانی که در سده‌های یازدهم/ پنجم توانسته اثری ارزنده به نثر فارسی پدید آورد «اسحاق بن منصور بن خلف نیشابوری» یا نیشابوری است که کتابی با نام قصص الانبیا دارد. در این کتاب یکی از معروف‌ترین آثار در زمینه داستان پیامبران شکل گرفته است. منبع فوق شامل قسمت‌های روایی و بیانی قرآن و مبنی بر حکایات کهن و باستانی است که منقول از روایت «کلبی» از «ابن عباس» در ذکر قصص قرآن است.

در نسخ متعدد قصص الانبیا جهت تصویرآرایی داستان‌ها و روایت پیامبران، از متن نیشابوری استفاده شده که این مسئله نشان از اهمیت این نمونه ادبی در میان دیگر آثار زبان و ادب پارسی، به‌خصوص با مضمون داستان پیامبران دارد.

به‌غیر از نیشابوری، الکسایی و جویری نیز آثاری در زمینه قصص قرآن تألیف کرده‌اند.<sup>۱۱</sup>

نسخه‌های موجود قصص الانبیا

در فاصله زمانی پنج سده از نوشتن قصص الانبیا نیشابوری، جویری و دیدوزمی تا دوران صفویه، نسخ دیگری از این متون و تک‌نگاره‌هایی به‌طور پراکنده تصویرسازی شده‌اند. یکی از این نسخ ایرانی، متعلق به دوره تیموری است که متن آن توسط جویری نوشته شده و شخصی به نام محمدبن‌علی بن محمد آن را در اول محرم ۸۲۸/۱۴۲۴ کتابت نمود.

۲۱ نسخه مصور قصص الانبیا تا کنون شناسایی شده البته تقریباً هیچ نسخه قصص الانبیا مصوری از سده‌های پانزدهم/ نهم و یا شانزدهم/ دهم وجود ندارد که خارج از این ۲۱ نسخه معرفی شده باشد.<sup>۱۲</sup> این امکان وجود دارد که در زمان شاه تهماسب، تعدادی نسخه‌های قصص الانبیا، تصویرسازی شده باشند، ولی در حال حاضر در دسترس ما نیستند.<sup>۱۳</sup> مورد از ۲۱ مورد کتاب مصور قصص الانبیا به وسیله اسحاق بن منصور بن خلف نیشابوری نوشته شده است. این نسخ به‌طور کلی ویژگی‌های

۱۰- قوصاص قصه‌گویانی بودند که پس از مرگ حضرت رسول در خدمت جامعه اسلامی، به روشی نیمه‌رسمی قرار گرفتند و زمانی که تشکلهای اسلامی شکل گرفتند، آن‌ها پیام دین جدید را با گفتن داستان‌های قرآن و تفاسیری بر اساس حدیث، انتقال می‌دادند. از طرف دیگر، نظریه‌پردازان اسلامی به قرآن وفاداری فراوان داشتند و زمانی که پاسخ کافی برای سؤالی از خود قرآن نمی‌یافتند به سنت‌های شفاهی روی می‌آوردند و گوش به تفاسیر قرآن می‌دادند و برای هر تفسیری یا هرگونه اطلاعی، لیستی از افرادی را که ابتدا آن را از حضرت رسول پرسیده بودند تهیه می‌کردند و متن را ادامه می‌دادند.

Rachel Milston, *Stories of the Prophets*, pp.10-1.

۱۱- قصص الانبیا الکسایی به زبان عربی نگاشته شده و توسط محمدبن حسن دیدوزمی به فارسی ترجمه شده است که ترجمه آن معروف به «نفایس العرایس و قصص الانبیا» است. همچنین «شیخ محمد جویری» اثری به نام «قصص الانبیا و سیرالملوک» دارد که موضوع آن داستان پیامبران است و این کتاب نیز به عربی نگاشته شده است و در حدود سده‌های سیزدهم/ هفتم به فارسی ترجمه شده است. (مژده کاظم، نقد منتخبی از نگاره‌های قصص الانبیا، پایان‌نامه ارشد صنایع دستی، استاد راهنما مهدی حسینی دانشگاه هنر، ۱۳۸۴، صص ۱۲۴-۱۲۳).

۱۲- ۱- نسخه‌های برلین، مجموعه‌های دایز، محفوظ در کتابخانه ملی آلمان، نویسنده‌ی متن: نیشابوری، دارای ۲۱ تصویر، متعلق به ۹۸۴/۱۵۷۷؛ ۲- نسخه‌ی دانشگاه کلمبیا، نیویورک، نویسنده‌ی متن: جویری، دارای ۳۰ تصویر، متعلق به ۹۸۲/۱۵۷۴؛ ۳- نسخه‌ی دابلین، ایرلند، کتابخانه‌ی چیس‌تریپتی، نویسنده‌ی متن: نیشابوری، دارای ۲۶ تصویر؛ ۴- نسخه‌ی هاروارد، موزه‌ی هنر دانشگاه هاروارد، دارای ۱۰ تصویر؛ ۵- نسخه‌ی استانبول، محفوظ در کتابخانه‌ی بایزید، نویسنده‌ی متن: دیدوزمی، دارای ۳۹ تصویر؛ ۶- نسخه‌ی استانبول، کتابخانه‌ی سلیمانیه، ترکیه، نویسنده‌ی متن: نیشابوری، دارای ۲۷ تصویر؛ ۷- مجموعه‌ی کر، لندن، انگلستان، نویسنده‌ی متن: نیشابوری، دارای ۵۵ تصویر؛ ۸- نسخه‌ی لندن، کتابخانه‌ی بریتانیا، انگلستان، نویسنده‌ی متن: نیشابوری، دارای ۱۳ تصویر؛ ۹- نسخه‌ی نیویورک، مجموعه‌ی اسپنسر، نویسنده‌ی متن: نیشابوری، دارای ۱۸ تصویر، متعلق به ۹۸۴/۱۵۷۶؛ ۱۰- نسخه‌ی نیویورک، مجموعه‌ی اسپنسر، دارای ۲۷ تصویر، نسخه‌ی پی‌تاریخ؛ ۱۱- نسخه‌ی پاریس، کتابخانه‌ی ملی پاریس، نویسنده‌ی متن: نیشابوری، دارای ۱۶ تصویر و متعلق به ۹۸۹/۱۵۸۱؛ ۱۲- نسخه‌ی پاریس، کتابخانه‌ی ملی پاریس، نویسنده‌ی متن: نیشابوری، دارای ۲۰ تصویر، نسخه‌ی پی‌تاریخ؛ ۱۳- نسخه‌ی صوفیا، کتابخانه‌ی ملی صوفیه، بلغارستان، نویسنده‌ی متن: جویری، دارای ۱۸ تصویر، متعلق به ۹۸۳/۱۵۷۵؛ ۱۴- نسخه‌ی اول، موزه‌ی توپ قاپی‌سرای، استانبول، نویسنده‌ی متن: نیشابوری، دارای ۲۱ تصویر؛ ۱۵- نسخه‌ی دوم، موزه‌ی توپ قاپی‌سرای، استانبول، نویسنده‌ی متن: دیدوزمی، دارای ۲۲ تصویر، متعلق به ۹۸۳/۱۵۷۵؛ ۱۶- نسخه‌ی سوم، موزه‌ی توپ قاپی‌سرای، استانبول، نویسنده‌ی متن: نیشابوری، دارای ۱۴ تصویر، متعلق به ۹۸۷/۱۵۷۹؛ ۱۷- نسخه‌ی چهارم، موزه‌ی توپ قاپی‌سرای، استانبول، نویسنده‌ی متن: نیشابوری، دارای ۱۶ تصویر؛ ۱۹- نسخه‌ی موزه‌ی توپ قاپی‌سرای، استانبول، نویسنده‌ی متن: نیشابوری، دارای ۲۴ تصویر؛ ۲۰- نسخه‌ی هفتم، موزه‌ی توپ قاپی‌سرای، استانبول، ترکیه، نویسنده‌ی متن: نیشابوری، دارای ۳۰ تصویر، متعلق به ۹۸۳/۱۵۷۵ یا ۹۸۲/۱۵۷۴؛ ۲۱- نسخه‌ی هشتم، موزه‌ی توپ قاپی‌سرای، استانبول، نویسنده‌ی متن: نیشابوری، دارای ۲۹ تصویر.

۱۳- مژده، کاظم، نقد منتخبی از نگاره‌های قصص الانبیا، پیشین، ص ۱۲۳.

مشترک خاصی را دارا هستند.<sup>۱۹</sup>

درخصوص نسخه‌های مختلف قصص‌الانبیا نکاتی حائز اهمیت است. اولین و آخرین نسخه‌های تاریخ‌دار قصص‌الانبیا در فاصله ۸ سال ۹۸۸/۱۵۷۴-۹۸۱/۱۵۸۱، تهیه شده است. بنابراین می‌توان فرض کرد هسته اصلی نسخه‌ها در آغاز دهه ی ۹۷۸/۱۵۷۰ و میانه دهه ی ۹۸۸/۱۵۸۰ تهیه شده‌اند. به استثنای نسخه دوم محفوظ در کتابخانه‌ی پاریس که در پهنه گسترده تاریخی و جغرافیایی تهیه شده است. بخش اصلی این نسخه‌های تاریخ‌دار، نتیجه مشارکت کار گروهی نقاشان بوده است. این هنرمندان شیوه و سبک‌های مختلفی را استفاده می‌کردند که ماحصل آن بنیان ترکیب‌های متنوع در گروه نسخه‌های اصلی است.<sup>۲۰</sup>

البته همه نسخه‌های تاریخ‌دار قصص‌الانبیا شامل نسخه محفوظ در کتابخانه ملی برلین، نسخه دانشگاه کلمبیا، نسخه اول موجود در کتابخانه ملی نیویورک، نسخه‌های دوم و هفتم موزه توپ قاپی‌سرای استانبول و برخی از نگاره‌های ذخیره‌شده در نسخه اول کتابخانه پاریس و نسخه محفوظ در کتابخانه صوفیا، وابسته به گروه اصلی هستند و دیگر نسخه‌ها بعدها اضافه شده‌اند. در نسخه‌هایی که دارای چندین سبک و شیوه اجرایی هستند و نگاره‌ها دارای کیفیت‌ها و پرداخت‌هایی متفاوت می‌باشند.<sup>۲۱</sup> می‌توان احتمال داد که نسخه توسط چند نگارگر، شاید یک استاد و شاگردش کار شده است.

#### قصص‌الانبیا ابواسحاق نیشابوری

کتاب «عرائس‌المجالس» یا «قصص‌الانبیا» اثر قرآن پژوهی ابی‌اسحاق احمد بن محمد بن النیشابوری معروف به «ثعلبی» به سال ۴۲۷/۱۰۳۵ است.

ابن خلکان<sup>۲۲</sup> متذکر شده که وی در علم تفسیر یگانه روزگار بود و تفسیر بزرگی نوشته است که از همه تفاسیر هم روزگارانش برتر است. وی کتاب قصص‌الانبیا را که مستمل بر ۴۵۲ صفحه بوده، با آیه شریفه «كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقُ»<sup>۲۳</sup> آغاز کرده و نوشته است که حکما ۵ حکمت را برای قصص قرآن نقل کرده‌اند.<sup>۲۴</sup>

۱۹- ۱- اکثر این نسخ، در کتابخانه‌های درباری یا مراکز بزرگ هنری تحریر و تصویر نشده و نوع خط و کاغذ و صحافی استفاده شده در آن‌ها کیفیت نسخه‌های درباری را ندارد، ولی رنگ‌آمیزی و فضاسازی‌شان چنان است که بلافاصله ذهن و خیال ناظر را متوجه خود می‌سازد. ۲- به لحاظ ویژگی‌های مذکور، در مجموعه‌های خصوصی و دولتی متعدد در سراسر دنیا پراکنده‌اند. ۳- هر صفحه از نسخ بین ۱۵ تا ۱۷ سطر مکتوب دارد، به‌غیر از دو نسخه که صفحات یکی ۱۴ و دیگری ۲۱ سطر دارد. ۴- همگی نسخه‌ها دو شمشه و دو دیباچه‌ی مُذهب دارند. ۵- تقریباً همگی قصص بدون تذهیب است و اغلب مجالس بر روی کاغذ منقش گل‌دار، با خط رنگین، جدول‌کشی شده است. ۶- همگی نسخه‌ها به فارسی و صحافی آن‌ها به شیوه‌ی صفوی است. ۷- نگاره‌ها ایرانی است، ولی نسبت دادن آن‌ها به مکتب مشخصی از مکاتب نگارگری ایران بسیار مشکل است. می‌توان گفت که نگارگران ظریف و زیرک و بی‌نام این قصص، از همه مواد مکاتب نگارگری ایران بهره‌گرفته و آثارشان را رقم زده‌اند. ۸- این احتمال وجود دارد که این قصص را نگارگران بومی- به‌ویژه در مکان‌هایی که در آن‌ها زیارت‌گاه وجود داشته و شیعیان برای زیارت به آن مکان‌ها مسافرت می‌کرده‌اند- مصور کرده باشند. (مهدي، حسینی، قصص‌الانبیا به روایت تصویر، پیشین، صص ۱۱۸-۱۱۷).

20-Rachel Milston, *Stories of the Prophets*, p. 42.

21-Ibid, p.42

۲۲- ابوالعباس شمس‌الدین احمد بن شهاب‌الثین محمد بن ابراهیم بن ابی‌بکر بن خلکان، قاضی، مورخ و ادیب مشهور شافعی مذهب که در سده ی سیزدهم/هفتم می‌زیسته است و اصلاً از بلخ برخاسته و نسبتش به خالد بن برمک می‌رسد و کتاب معروف او (وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان) شرح احوال جمع عظیمی از دانشمندان علوم مختلف و امیران و وزران که او طی چند سال آن را تألیف کرده است. برگرفته از دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، مقاله شماره ۱۱۶۸، ۸۶/۱۲/۲۷، ساعت: ۹:۰۰

www.cgie.org.ir

۲۳- سوره طه، آیه ۹۹: ای پیامبر، ما این گونه از اخبار گذشته بر تو حکایت می‌کنیم و همانا ما از جانب خویش به تو ذکر (قرآن) داده ایم، پایگاه تفسیر نور، ۸۶/۱۲/۲۷، ساعت: ۹:۲۰  
www.garaati.net/tafsir

۲۴- ۱- قصص قرآن دلیل بر رسالت پیامبر اکرم (ص) است، زیرا رسول اکرم (ص) امی بود و معلمی نداشت و از وطن خود نیز مدت‌ها فاصله نگرفته بود؛ که در این مدت به عالمی رجوع کند و از او علم اخبار را یاد بگیرد. بنابراین تنها جبرئیل بر او نازل شد و آن‌ها را به او تلقین کرد. حضرت رسول (ص) نیز آن‌ها را گرفته و مردم را به اخبار گذشتگان و سده‌های گذشته وسید انبیاء و ملوک مقتدم آگاه ساخته است. ۲- علت بیان قصه‌ها توسط خداوند بر پیامبر این بوده است که این قصه‌ها برای او اسوه و نشانه‌ای از مکارم اخلاق رسل و انبیاء متقدم و اولیاء صالح گذشته باشد. در آنچه که خداوند از آن‌ها خبر داده و ستایش کرده است و نهي می‌کند امتش را از اموری که اعم انبیاء به خاطر مخالفت با آن مورد عقوبت واقع شدند و از طرف خدا مستوجب آن عذاب و عقاب. ۳- برخی دیگر حکمت بیان قصص بر پیامبر (ص) را تثبیت پیامبر و اعلام شرف و عوامیت او نسبت به امت‌های قبلی بوده است و این بدان علت است که پیامبر هنگامی که به اخبار واحوال امم قبلی می‌نگرد درمی‌یابد که او و امتش از بسیاری از آن چیزهایی که به‌وسيله آن‌ها خداوند انبیاء و اولیاء را بدان‌ها آزموده است معاف هستند و در شریعت به آن‌ها تخفیف داده شده است. بنابراین پس از بیان این قصص، بر پیامبر (ص) از طرف خداوند، پیامبر فضل خود و امتش را دید و دانست خدا او و امتش را به کراماتی مخصوص گردانیده است که هیچ‌کدام از انبیاء و امم دارای چنین کراماتی نبوده‌اند. ۴- حکمت دیگر بیان قصص قرآن بر پیامبر (ص) تادیب و تهدیب امتش بوده است و دلیل این مسأله آن است که خداوند انبیاء و پادشاه آن‌ها و دشمنان و عقاب آن‌ها را ذکر کرده است و در جای دیگر آن‌ها را از دشمنان برحذر داشته و بر صلح اولیاء تشویق نموده است. برای مثال در سوره یوسف آیه ۷، آمده است: «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِّلسَّالِئِينَ». ۵- علت گفتن قصه و اخبار انبیاء و اولیاء گذشته، احیاء یاد آثار آن‌ها بوده است. (نگرشی بر قصص‌الانبیا ابی‌اسحاق ثعلبی، و قصص قرآن رسالت پیامبر اکرم (ص)، ماهنامه گلستان قرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرداد ۱۳۸۰، شماره ۷۳، صص ۴۱-۴۰).

اثر نیشابوری<sup>۳۳</sup> به تعقیب آثار پیشینیان او و اساساً اثر معاصر وی یعنی بلعمی است. او پس از ذکر زندگی جمعی از انبیاء از جمله حضرت شیث، یعقوب، موسی، عیسی (ع) به داستان زندگی حضرت محمد (ص) با ذکر جزئیات آن می‌پردازد و پس از بیان زندگی و بیان پیام حضرت محمد (ص)، راجع به خلفای راشدین می‌نویسد. تمامی نوشته‌های مصور نیشابوری به تبعیت از آثار قبل از سده‌ی چهارم/ هشتم در ارتباط با اعمال جنایت‌آمیز حاکم حجاج بن یوسف از خاندان پیامیه در زمینه‌ی آزار و اذیت پیروان خاندان حضرت علی (ع) است.<sup>۳۴</sup>

به‌طور کلی متن این گروه به زبانی عام نوشته شده، جملات کوتاه‌ترند و حاوی جزئیات بیشتری است. آنچه جالب است این است که برخی نوشته‌های نیشابوری حاوی داستان‌هایی برگرفته از متون مربوط به جویری و دیدوزمی است. در مورد سبک نوشتاری نیشابوری باید گفت که او در این شیوه گاهی از ادامه سبک پیشینیانش در نوشتن قصص خودداری کرده و سبک شخصی خود را دنبال کرده است. الگوی معمولی‌ای که در اثر او دنبال شده این است که ابتدا به ترسیم شاخصه‌های اصلی داستان پرداخته و سپس اقدام به تشریح جزئیات کرده و بعد از موضوع اصلی، با طرح مجموعه‌ای از سئوال‌ها و جواب‌ها که ریشه در مشکلات خداشناسی و مذهبی دارد، مسائلی را مطرح می‌کند. این شاخص در نوشته‌های او روشن‌کننده این مهم است که نیشابوری قصد نداشته تا مطالب غیرموتق را که منشاء آن‌ها به وعاظ و معلمین می‌رسد، مستقیماً در کار خود استفاده کند و در عوض به سخنان دانشمندان و علمای اسلامی و مذهبی بیشتر اهمیت داده است.<sup>۳۵</sup>

از فلیکس تاور مستشرق معروف چکسلواکی<sup>۳۶</sup> در رابطه با قصص الانبیاء نقل شده که قدیمی‌ترین کتاب فارسی از این نوع، تألیف ابوسحاق ابراهیم بن منصور بن خلف نیشابوری است. ۵۰ نسخه از این کتاب در کتابخانه‌های استانبول با انشاهای مختلف وجود دارد.

بررسی نگاره‌های پیامبران اولوالعزم در نسخه مصور قصص الانبیا نیشابوری

قصص الانبیا بیان‌کننده قصه‌های پیامبرانی است که از جانب خداوند مأمور به هدایت و راهنمایی انسان‌های زمان خود بودند. از ۱۲۴ هزار رسول فرستاده شده از سوی خداوند، نام تعدادی از آن‌ها در قرآن ذکر شده است و از میان این پیامبران ۵ تن منتخب، صاحب کتاب و شریعت الهی هستند که هر کدام بشارت دهنده رسولان بعد از خود بودند. حضرت نوح (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع) و خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی (ص)، پنج پیامبر اولوالعزم خداوند هستند. ادیان یهودیت، مسیحیت و اسلام، امروز پیروان بسیاری در سطح جهان دارند. همان‌طور که در قسمت‌های پیشین اشاره شد، داستان‌های قرآن روایت پیامبران پیش از حضرت محمد (ص) می‌باشد و ذکر آن‌ها در قرآن، تأکید بر الهی بودن ادیان پیشین می‌باشد. نقل داستان پیامبران و اقوام آن‌ها همگی نشانه‌هایی است برای دریافت راه درست و صحیح در رسیدن به پروردگار و تأکید بر این موضوع، که خداوند از ابتدای خلقت انسان تا پایان جهان همواره با بندگانش همراه بوده و از میان آن‌ها منتخبانی را جهت هدایت و راهنمایی ایشان فرستاده است.

همچنین خداوند در قرآن سوره هود آیه ۱۲۰ می‌فرماید: «وَ كَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» و نقل قصص موجب اطمینان قلب پیامبر و مؤمنین گردیده و آنان را قوی‌دل و در راه خود راسخ و سخت می‌سازد. بدین جهت در این بحث، به بررسی داستان‌های مهم مصور<sup>۳۷</sup> رسولان صاحب شریعت- پیامبران اولوالعزم- از نسخ قصص الانبیا نیشابوری می‌پردازیم.

نگاره‌های منتخب از هشت نسخه‌ی مصور قصص الانبیا که بیشتر به آن‌ها اشاره شد انتخاب شده است.<sup>۳۸</sup>

داستان حضرت نوح (ع) و پروانش در کشتی

دو نگاره از دو نسخه خطی در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرند که داستان حضرت نوح (ع) را به تصویر کشیده‌اند. یکی نگاره‌ای است که حضرت نوح (ع) را در حال ساخت کشتی نشان می‌دهد. این نگاره مربوط به نسخه هفتم محفوظ در موزه توپ قاپی سرای استانبول<sup>۳۹</sup> به تاریخ ۹۸۳/۱۰۷۵ در دوران شاه تهماسب صفوی مصور شده است. این نسخه دارای ۲۰۵ صفحه

۲۳- تمامی متون مصور شده در این کتاب با این نوشته شروع می‌شوند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَدْعُ الْمَجِيدِ رَبِّ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ» پس از این مقدمه، تفسیر قصصی که در قرآن گفته شده، بر پایه‌ی روایاتی از ابن عباس است که به‌وسیله‌ی محمد بن سائب کلیبی استفاده شده است. در آغاز کتاب سلسله اسنادی است که هفت محدث میان مؤلف و محمد بن سائب الکلبی گنجانده شده و چون محمد بن سائب در ۱۴۱/۷۱۳ وفات یافته مؤلف نمی‌تواند متأخرتر از آخر سده دهم/ چهارم باشد. نام کاتب آن به همراه هم‌همی مراجع و آخرین آنان یعنی عبدالله ابن عباس که تفسیری بر آیه قرآن «خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» دارد، آورده شده و سپس محتوای کتاب آغاز می‌شود. ماهنامه گلستان قرآن، پیشین، صص ۴۱-۴۰.

24-Rachel Milston, *Stories of the Prophets*, optic, pp.10-1

25-Ibid, pp.10-1

26-Felix Tauer

۲۷- داستان‌هایی که در این بخش به آن‌ها پرداخته می‌شود به ترتیب شامل: ۱- داستان حضرت نوح (ع) و پروانش در کشتی؛ ۲- داستان حضرت ابراهیم (ع) در آتش نمرود؛ ۳- داستان قربانی کردن حضرت اسماعیل (ع) توسط حضرت ابراهیم (ع)؛ ۴- داستان ساختن خانه کعبه به دست حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع)؛ ۵- داستان حضرت موسی (ع) و تبدیل عصای ایشان به اژدها در پیش جادوگران؛ ۶- داستان ولادت و سخن گفتن حضرت عیسی (ع)؛ ۷- داستان به دار کشیدن حضرت عیسی (ع)؛ ۸- داستان معراج پیامبر (ص)؛ ۹- داستان از جای درآوردن در قلعه توسط حضرت علی (ع) در جنگ خیبر؛ ۱۰- داستان آوردن سر بریده ابوالجهل به خدمت حضرت محمد (ص)؛ ۱۱- داستان پیامبران در بهشت.

۲۸- این نسخه‌ها شامل: ۱- نسخه‌های محفوظ در کتابخانه ملی پاریس؛ ۲- دو نسخه محفوظ در مجموعه اسپنسر در کتابخانه ملی نیویورک؛ ۳- نسخه محفوظ در کتابخانه ملی آلمان برلین؛ ۴- چهار نسخه محفوظ در موزه توپ قاپی سرای استانبول.

29- Rachel Milston *Stories of the Prophets*, optic, p. 214.

۳۳/۵×۲۲ سانتی‌متر و ۳۰ تصویر است. جلد آن چرمی منقوش با آب طلاست. نوشته‌های متن به رنگ مشکی و خط نستعلیق است و سرلوحه‌های طلایی و قطعه‌های از آیات قرآنی دارد. رنگ‌های رایج و استفاده شده در آن، طلایی، نارنجی و سبز روشن است. دومین نگاره حضرت نوح (ع) و پیروانش را در کشتی در نسخه دوم کتابخانه ملی نیویورک نشان می‌دهد. این نسخه مربوط به مجموعه اسپنسر، دارای ۱۷۷ صفحه ۳۴/۷×۲۲/۵ سانتی‌متری و ۲۷ تصویر است کاغذ مورد استفاده آن به رنگ کرم و ضخیم است. نوشته‌های متن به خط نستعلیق و به رنگ سیاه و عبارات منتخب قرآنی به خط نسخ و طلایی رنگ و رنگ‌های مورد استفاده آبی، قرمز و سبز، نارنجی، مشکی است.

از پیغمبران بزرگوار که در راه ترویج مرام خداپرستی، رنج فراوانی کشید و آزار و اذیت بسیاری از جانب مردم متحمل شد، نوح پیامبر بود. شاید یکی از علل شرایط پیش آمده آن بود که مرام بت‌پرستی، تازه در میان مردم رواج یافته و آن دامی بود که شیطان بر سر راه بندگان خدا گسترده بود.<sup>۳۰</sup> در کتاب قصص‌الانبیاء نیشابوری به تفصیل داستان حضرت نوح (ع) نقل شده است.<sup>۳۱</sup> در این نگاره (تصویر ۱) بخشی از داستان در بالا و پایین تصویر به خط نستعلیق و به رنگ سیاه نوشته شده است. بخشی از سوره‌ی هود آیه‌ی ۳۸ به خط نسخ و به رنگ طلایی در ادامه آن نقل شده است. مضمون آیه در تصویر به خوبی نشان داده شده که حضرت نوح (ع) به کمک و راهنمایی جبرئیل و پیروانش، مشغول ساخت کشتی است.

دور نگاره کادری به رنگ‌های آبی، طلایی، قرمز، سبز دیده می‌شود. درون کادر در قسمت بالایی سمت راست، حضرت نوح (ع) با هاله‌ای نورانی نشسته و بالایی سر ایشان جبرئیل با بال‌هایی گشاده در آسمان دیده می‌شود. در قسمت پایین تصویر پیروان حضرت نوح (ع) مشغول ساخت کشتی هستند. دو مرد که با بارکشی چوب مورد نیاز را حمل می‌کنند در خارج کادر، به تصویر درآمده‌اند.

در قسمت بالا سمت چپ، گروهی تصویر شده‌اند که گویا در حال نظاره کردن کار حضرت نوح (ع) هستند. به احتمال قوی اینان مردمانی هستند که رسول خدا را به جهت ساخت کشتی در منطقه‌ای به دور از آب، مورد تمسخر قرار می‌دادند. در این نگاره حضرت نوح (ع) در مقابل جبرئیل قرار گرفته و نگاه ایشان به سمت جلو است. این نوع حالت ایستادن را از سه زاویه‌ی دید می‌توان تفسیر کرد: یکی آن‌که حضرت نوح (ع) گوش به فرمان الهی و راهنمایی جبرئیل فرشته مقرب خدا است تا امر خداوند را اجرا نماید، دوم بر کار پیروان و یارانش که در مقابل او در حال ساخت کشتی هستند نظارت دارد و سوم این‌که در مقابله با افرادی است که او و پیروانش را مورد تمسخر قرار داده که آن‌ها را به وعده‌ی عذاب الهی خبر می‌دهد، عبارت قرآنی در پایین صفحه گویای این مطلب است.

در قصه‌های قرآنی سه عامل برجسته، شخصیت، رویداد، گفتگو نقش اساسی دارند. در این نگاره هر سه این عوامل نقش دارند. شخصیت حضرت نوح (ع) در جایگاه یکی از پیامبران صاحب شریعت و کتاب، نقل ساخت کشتی، از مهمترین وقایع زندگی حضرت نوح (ع) و گفتگو آن حضرت با قوم خویش جهت هدایت آن‌ها.

در این نگاره جبرئیل فرشته مقرب الهی با جامه‌ای به رنگ قرمز و منقش، تاجی بر سر و بال‌های گشاده، که تمامی آسمان آبی را پوشانده، بالایی سر تمامی افراد به تصویر کشیده شده است؛ گویی آسمان و زمین زیر پوشش وحی الهی است. حضرت نوح (ع) با جامه‌ای به رنگ سبز و منقوش و امامه‌ای سفید با محاسن تصویر شده است.

این نگاره‌ها را نمی‌توان به مکتب خاصی نسبت داد چرا که شیوه اجرای آن‌ها به جهت استفاده از مضامین و داستان‌های قرآنی، با دیگر کتب مصور در این دوران تا حدی متفاوت است. همچنین محققان و پژوهشگران با تحلیل و بررسی نسخه‌های مختلف قصص‌الانبیاء، تعدادی از آن‌ها را به امپراطوری عثمانی که در آن زمان در همسایگی حکومت صفویان بودند نسبت داده‌اند و این مسئله را دور از ذهن ندانسته‌اند که سبک‌های ایرانی در توسعه ادبی خارج مرزهای ایران در میانه سده‌ی شانزدهم/ دهم مؤثر بوده و نسخه مورد بحث نیز در این گروه جای می‌گیرد.<sup>۳۲</sup>

۳۰- نام بت‌های آن‌ها «وَدَّ»، «سواع»، «یفوث»، «یعوق»، «نسر» بود که خدای تعالی نامشان را در قرآن آورده است. (سیدهاشم رسولی محلاتی، تاریخ انبیاء، انتشارات علمیه اسلامی، جلد اول، محل نشر: تهران، ۱۳۶۸، ص ۴۱).

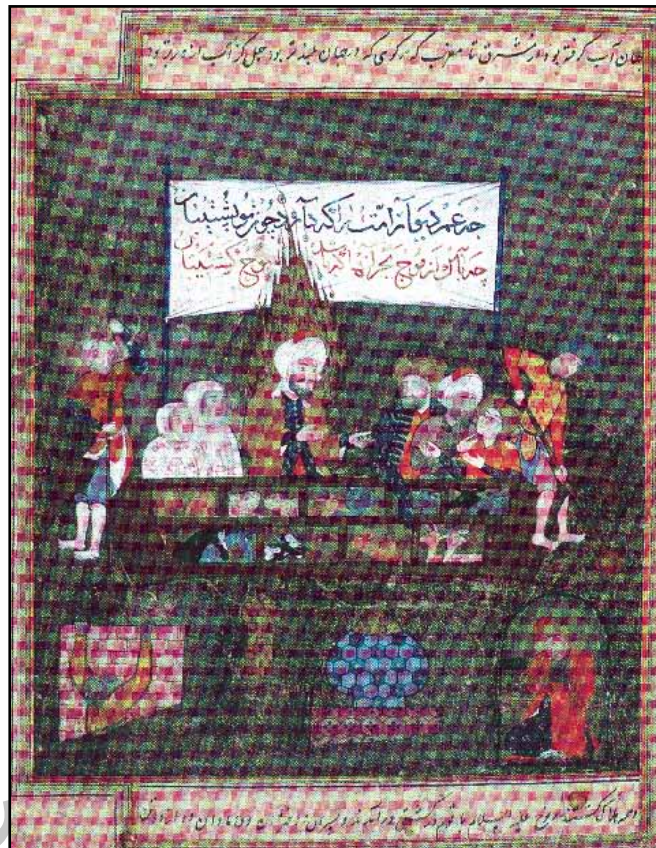
۳۱- قوم او بت‌پرست بودند. گفتند ما از خدایان خویش دست باز نداریم و خدایان خویش را می‌بینیم. چندان‌که نوح پند داد نپذیرفتند. گفت بارخدا یا یک کافر بر روی زمین مگذار که اگر بگذاری همه بندگان تو را بیره کنند و آن‌که از پس ایشان زاینده نباشند مگر کافر. آن‌گاه حق تعالی دعای وی مستجاب کرد، و بفرمود تا کشتی کند: *وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا* (سوره هود، آیه ۳۷). گفت کشتی کن به امر ما و به یاری ما که وعده‌ی عذاب کافران نزدیک آمد. نوح ندانست که کشتی چگونه کند. جبرئیل بیامد و بیاموخت که چوب گرد کرد و می‌ساخت شش ماه تا راست گشت و تمام شد. و آن‌وقت که کشتی می‌ساخت کافران بر وی می‌گذشتند، و می‌گفتندی این چیست. قوله تعالی: *وَ كَلَّمَا مَرَعَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ* (سوره هود، آیه ۳۸) چنان‌که شما امروز افسوس می‌کنید فردا که عذاب خدای تعالی بیاید ما نیز بر شما افسوس کنیم، و زود بود که بدانید. (ابواسحاق نیشابوری، قصص‌الانبیاء، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران، انتشارات علمی، فرهنگی و هنری، بهار ۱۳۸۶، صص ۳۶-۳۴).

۳۲- *إِنَّ تَسَخَّرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسَخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسَخَّرُونَ*» به آن‌ها می‌گفت اگر امروز شما ما را مسخره می‌کنید ما هم روزی شما را پاسخی بدهیم که بعد از این بدانید. برگرفته از پایگاه [www.qaraati.net/tafsir](http://www.qaraati.net/tafsir) ساعت ۱۰:۰۰ ۸۶/۱۲/۱





تصویر ۱: نوح (ع) در حال ساختن کشتی، نسخه‌ی هفتم موزه‌ی توپ‌قاپی‌سرای استانبول.



تصویر ۲: نوح (ع) و پیروانش در کشتی، نسخه‌ی دوم کتابخانه ملی نیویورک.

نگاره دوم (تصویر ۲) حضرت نوح (ع)، پیروان و خاندانش را سوار بر کشتی نشان می‌دهد. داستان کشتی نوح (ع) در کتاب قصص الانبیا نیشابوری نقل شده است.<sup>۳۴</sup>

۳۴- آن‌گاه ملک تعالی نوح را علامتی بگرد عذاب را، که چه وقت بود، گفت چون از تنور آب برآید بدان که وقت عذاب آمد. قوله تعالی: وفار التنور. پس نوح علیه‌السلام نگاه می‌داشت آن علامت را. روزی نماز دیگر آب از تنور برآمد و روی بیرون نهاد بکوفه، نوح آهنگ کشتی کرد، اهل را و قوم را آگاه کرد؛ و از هر چیزی که درین جهان بود جفت جفت کرده بود، چنان‌که حق تعالی فرموده بود: قَلْنَا اَحْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ مِثْرًا سَوْرَةِ هُود، آیه ۴۰. آن‌گاه از آسمان طوفان بیامد باران سخت، و از زمین آب برآمد، هژده شبانه‌روز. تا آن‌گاه که حق تعالی گفت: قِيلَ يَا اَرْضُ اْبْلَعِي مَاءَكَ وَيَا سَمَاءُ اَقْلَعِي، وَ غِيضُ الْمَاءِ وَقَضِيَ الْاَمْرُ سَوْرَةِ هُود، آیه ۴۴. گفت زمین را تو فرو گیر آب خویش را، و یا آسمان بازگیر آب خویش را، و هم آن‌جا که بودید باز شوید هر دو آب. کشتی نوح بر جودی راست بیستاد. بخر چنین آمده است که آب گرفته بود از مشرق تا مغرب. هر کوهی که درین جهان بلندتر از آن نبود چهل ارش آب از او در گذشته بود و همه خلق هلاک شدند و نوح در کشتی آمده بود باقومش هفتاد تن، و اهل وی و دختران او و پسران و دامادان، دوازده تن بودند. و نوح را چهار پسر بود در آن وقت و چهار دختر، همه مؤمن مگر پسری که نامش کنعان بود. چون وقت عذاب آمد نوح گفت یا پسر من در کشتی نشین یا من باش و با کافران مباش. قوله تعالی: يَا بُنَيَّ اِرْكَبْ مَعَنَا وَ لَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ سَوْرَةِ هُود، آیه ۴۲. پسرش گفت من ترا نخواهم و نه دین ترا. نوح گفت یا پسر هلاک شوی بعباد خدای تعالی. گفت چه عذاب است؟ نوح گفت. عذاب می‌بینی! پسرش گفت بر سر کوه روم تا آب از من بازدارد. قوله تعالی: قَالَ سَاوِي اِلَيَّ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ، سَوْرَةِ هُود، آیه ۴۳. نوح گفت بازدارنده نبود چیزی از عذاب خدای، و عذاب خدای آن‌را نیابد که وی را رحم بود. آن‌گاه موج برآمد و پسر را از نوح جدا کرد و آب کشتی را برداشت، و کنعان ماند، بدوید و بر سر کوه رفت، و در ساعت غرقه شد با همه کافران.

و آب همچنان می‌بود و کشتی نوح را باد بر سر آب همی بردی. نوح گفت از بار خدایا من می‌ترسم از غرق. جبرئیل آمد و گفت یا نوح نام من بر کشتی نویس تا ایمن گردی. گفت چه نویسم؟ گفت بنویس: بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا سَوْرَةِ هُود، آیه ۴۱. به نام خدای رفتن کشتی و باز ایستادن. (ابواسحاق نیشابوری، قصص الانبیا به اهتمام حبیب یغمایی، پیشین، صص ۳۷-۳۶).

در این تصویر حضرت نوح (ع) در میانه تصویر با هاله‌ای نورانی و عمامه‌ای سفید در کنار پیروان و اهلبیتش نشسته است. آب همه‌جا را فرا گرفته است. در دو طبقه پایین کشتی حیوانات به صورت جفت جفت قرار دارند دو فرد نیز در دو سوی کشتی به وسیله پارو کشتی را هدایت می‌کنند. در این تصویر همچون نگاره‌ی قبلی بخشی از داستان به خط نستعلیق و به رنگ مشکی در بالا و پایین کادر نوشته شده است. در پشت سر افراد، بیرقی به رنگ سفید است که یک بیت شعر به خط نسخ به دو رنگ آبی و قرمز دارد مضمون آن این چنین است:

جد عمر دیوار است را که آرد چون تو پشتیبان چه باک از موج بحر آن‌ها را که باشد نوح کشتیبان

و اشاره دارد به مقام والای حضرت نوح (ع) به عنوان راهنما و پشتیبان امتش، که راه راست و ثواب را برگزیده است. در پایین صحنه، ابنیه و ساختمان‌هایی نشان داده شده که تماماً در حال رفتن به زیر آب هستند و افرادی که سعی دارند تا خود را از عذاب الهی برهانند؛ احتمالاً یکی از آن‌ها، پسر حضرت نوح (ع) است که از راه حق دوری گزید.

در این تصویر حضرت نوح (ع) در حال صحبت با پیروان و اصحابش، در کشتی حضور دارد. از آن جایی که حضرت نوح (ع) پدر دوم نسل بشر، لقب گرفته، بازماندگان این واقعه هر کدام سرمنشاء نسل قومی بر روی زمین هستند، تصویر و موضوع آن اهمیت بیشتری می‌یابد.<sup>۳۰</sup>

داستان حضرت ابراهیم (ع) در آتش مُرود

ابراهیم خلیل (ع) از پیغمبران بزرگوار است که خدای تعالی بیش از سایر انبیاء، او را به عظمت یاد کرده و اوصاف حمیده و خصال پسندیده او را در قرآن ذکر فرموده و به مناصب‌هایی چون امامت و پیشوایی مردمان و برگزیدگی و شایستگی هر دو جهان و مقام قرب و دوستی خود مفتخر داشته است. از جمله الطاف خداوند به ایشان یکی این‌که او را پیامبر اولوالعزم خویش قرار داده و نبوت را در ذریه و نسل او گذارده و علم و حکمت و کتاب و شریعت به وی داده، ملک و هدایت خود را به او عنایت کرد و درود و سلام مخصوص خود را بر او فرستاده، خود و خاندانش را مشمول رحمت و برکات خویش ساخته و در آخر او را به تنهایی، امت واحده نامیده است.<sup>۳۱</sup>

نگاره مورد بحث این داستان، مربوط به نسخه مصور محفوظ در مجموعه کتابخانه برلین است. این نسخه فارسی متعلق به دوران صفویه، شامل ۲۴۶ صفحه و ۲۱ نگاره از داستان‌های پیامبران، با اندازه صفحات ۲۹/۵×۱۷ سانتی‌متر است. آیات قرآنی به خط نسخ و به رنگ قرمز نوشته شده و همه صفحه‌ها با جدول‌های طلایی یا رنگی آرایش یافته‌اند. ۲۱ نگاره نسخه همراه با تزیینات بسیار نفیس ابتدای کتاب، از قبیل گل‌های آرایشی ستاره‌ای شکل بزرگ، با آیات قرآنی در قالب‌های پهن طلایی یا آبی آسمانی، این نسخه را به صورت شاهکاری کم‌نظیر درآورده است. جلد آن از چرم سیاه و به صورت طلاکوبی می‌باشد و داخل جلد یا چرم قهوه‌ای کم‌رنگ پوشیده شده است. تاریخ این نسخه ۹۸۴/۱۵۷۷ مطابق با دوران حکومت شاه اسماعیل دوم است. این داستان در کتاب قصص الانبیاء نیشابوری به تفضیل نقل شده است.<sup>۳۲</sup>

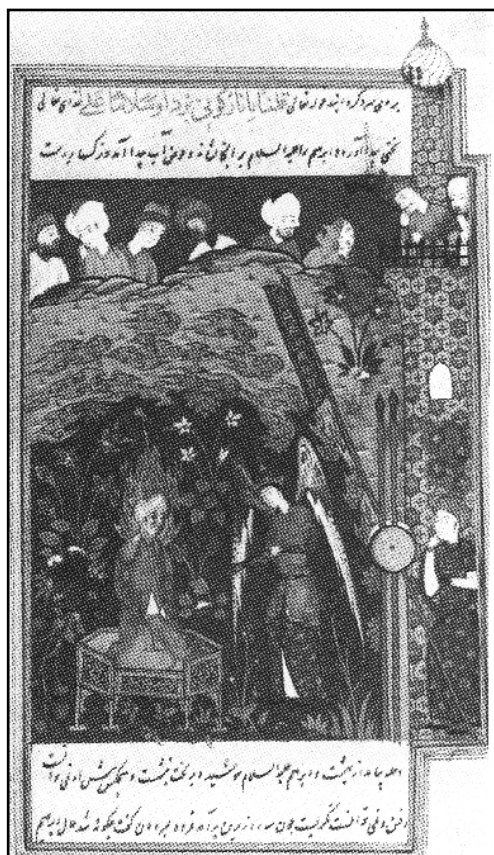
در این نگاره (تصویر ۳) حضرت ابراهیم با هاله‌ای نورانی بر دور سر، بر روی تختی نشسته و در مقابل ایشان جبرئیل با بال‌های زیبا به تصویر درآمده است. گل و بوته‌های فراوان در اطراف هر دو پیکره قابل مشاهده است. در سمت راست تصویر و در مقابل برجی بلند، منجیقی تصویر شده است. در بالا و کناره‌ی راست تصویر، افرادی نظاره‌گر آتش و ماجرای در حال اتفاق می‌دهد. در بالای برج بلند، سمت راست، دو فرد به تصویر درآمده، یکی از آن‌ها تاجی بر سر دارد که به احتمال زیاد، مُرود پادشاه

۳۰- نسخه‌ای دیگر از قصص الانبیاء هم‌اکنون در کتابخانه نیویورک نگهداری می‌شود که سبک و سیاق نگارگری عثمانی را در بر دارد. تأثیر هنر نگارگری ایرانی آن زمان بر این نسخه کاملاً مشهود است. Rachel Milston *Stories of the Prophets, optic*, p. 42

۳۱- سید هاشم رسولی محلاتی، تاریخ انبیاء، پیشین، صص ۱۰۳-۱۰۲.

۳۲- «باخبار آمده است که مُرود، منادی فرمود که بروید و هیزم آید سوختن ابراهیم را که او را عذاب (سوره‌ی الانبیاء، آیه ۶۸) آتش خواهیم کردن که او خدایان شما را پاره کرده است و گویند آتش افروختن بدان بود که ابراهیم، مُرود را گفته بود که عذاب خدای من با آتش است. مُرود گفت من نیز ترا با آتش عذاب کنم با که بود که نصرت کند ترا؟ آن‌گاه برفتند و هیزم بیاوردند و بر یکدیگر نهادند و نظر در زدند. و چنین گویند که چهار ماه هیزم گرد می‌کردند و ابراهیم را باز داشته بودند. آن‌گاه از زندان بیرون آوردند تا با آتش افکنند نتوانستند نزدیک آتش شدن از تبش، که سه فرسنگ تبش آتش می‌رفت. درماندند. ابلیس بیامد به دشمنی آدم و منجیق ایشان را بیاموزانید. منجیق بساختند و سرش بر زانو بستند و در آن منجیق نهادند و ببنداختند. چون بمیان آتش بیارامید، ملک تعالی آتش را بر وی سرد گردانید، قوله تعالی: *يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَي اِبْرَاهِيمَ*. (سوره‌ی الانبیاء، آیه ۶۹) ای آتش سرد باش بر ابراهیم، سر با سلامت باش. و اگر چنان‌گفتی ابراهیم از سردی طاقت نداشتی. پس در میان آتش تختی پیدا آمد تا ابراهیم بر آن‌جا بنشست، حوض آب پیش او پدید آمد و نرگس و ریاحین گرد بر گرد تخت او برست و حله‌ی بهشت بیاوردند تا ببویشد و هیچ‌کس آن‌جا نتوانست رفتن تا سه روز. مُرود مردن‌پیمان را گفت که حال ابراهیم به چه صورت رسید؟ چه می‌ترسم که او زنده بماند. ندیمان گفتند که اگر او را کوهی بودی نیست شده بودی در آن آتش که ما دیدیم. مُرود گفت من می‌خواهم تا او را ببینم تا این باشم. پس جایی ساختند بلند، چون منظره‌ای از مس بر کوهی. مُرود بر آن‌جا برآمد و بنگرست و در میان آن آتش، ابراهیم را دید بر تختی نشسته بر کرانه‌ی جوی، و نرگس گرد بر گرد حوض، رسته و حله پوشیده. مُرود گفت یا ابراهیم این از کجا آوردی و این آتش ترا چرا نسوخت؟ ابراهیم گفت خدای تعالی مرا نگاه داشت و این همه فضل، او کرد. گفت، *نَعَمْ الرَّبُّ رَبِّكَ*. نیک خدایست خدای تو. اگر من بگروم مرا بپذیرد؟ ابراهیم گفت پذیرد، و مملکت ترا زیادت کند و عمر ترا دراز کند. مُرود گفت چون بیرون آیی من به خداوند تو بگروم، و ترا عزیز دارم که چنین خدای که تراست سزااست که خدمتش کنند. پس ابراهیم بیرون آمد از میان آتش به سلامت، و آن تخت و حوض آب ناپدید شد به‌جای خویش رفتند به بهشت» ابواسحاق نیشابوری، قصص الانبیاء، به اهتمام حبیب یغمایی، پیشین، صص ۵۳-۵۱.

بابل است. حالت چهره او نیز احساس تعجب و حیرت را منتقل می کند. که از بالای برج مرتفع، واقعه را نظاره می کند. همچون نگاره های قبل، پیکره ها در این تصویر، با کلاه، عمامه و پوشش ویژه ای اوایل حکومت صفویه، به تصویر درآمده اند. تاریخ نگارش این نسخه مطابق با دوران کوتاه حکومت شاه اسماعیل دوم صفوی (۱۵۷۷-۱۵۷۶/۹۸۵-۹۸۴) است.<sup>۳۸</sup> این نسخه یکی از شاهکارهای کم نظیر نگارگری صفویه است که با کاربرد دو شیوه کاملاً مجزا به مکتب شیراز و اواخر سده های شانزدهم/دهم نسبت داده می شود.



تصویر ۳: ابراهیم (ع) در آتش نمرود، نسخه کتابخانه برلین.

#### داستان قربانی کردن حضرت اسماعیل (ع)

قربانی کردن حضرت اسماعیل (ع) به راستی امتحانی عجیب و آزمایشی بس دشوار و مشکل بود، آن هم برای مردی چون ابراهیم (ع) که پس از سالها تنهایی و بی فرزندی (ع) اکنون که خدا فرزندی به او داده و با گذشت چند سال، به تدریج به صورت فرزندی برومند درآمده و چشم و چراغ زندگی ابراهیم (ع) گردیده، در چنین وقتی مأمور می شود او را به دست خود ذبح کند و پیش روی خود در خاک و خورش ببیند. اما ابراهیم (ع) که دل و جانش لبریز از عشق خدا است و هرچه می خواهد برای خدا می خواهد کوچکترین تزلزل و تردیدی به دل راه نداده و درصدد انجام فرمان الهی برمی آید.<sup>۳۹</sup> داستان ذبح حضرت اسماعیل (ع) در قصص الانبیا نیشابوری به تفضیل نقل شده است.<sup>۴۰</sup>

این نگاره مربوط به نسخه دوم کتابخانه ملی پاریس و بدون تاریخ است. اوراق این نسخه دارای کاغذهایی ضخیم و تزیین شده با طلا و عبارات قرآنی و سرلوحها به رنگ قرمز است. این نسخه کامل نیست. در این نگاره (تصویر ۴) حضرت ابراهیم (ع) با عمامه ای سفید و پوششی سبزرنگ و هاله ای نورانی، همچون دیگر نگاره ها در حالی که خنجر در دست راست خود دارد و سر اسماعیل را که بر روی زمین نشسته، در دست دیگر دارد، با نگاهی رو به آسمان و جبرئیل ترسیم شده است. در مقابل او جبرئیل با بالهای گشاده گوسفندی-فدا- را برای قربانی کردن به حضرت ابراهیم (ع) نشان می دهد. رنگ کاغذ نارنجی است. حالات چهره و حرکت افراد در این نگاره بسیار جالب توجه است و پیشش بدن و حالت چهره افراد در تصویر، گویای عمل در حال انجام است. همانند دیگر نگاره ها بخشی از داستان در بالا و پایین نگاره به خط نستعلیق و به رنگ مشکی نگارش شده است. رنگ های مورد استفاده در این نگاره سبز، قرمز (پوشش جامه اسماعیل)، زرد، قهوه ای، آبی و سبز تیره است.

شاخص این تصویر، شخصیت حضرت ابراهیم (ع) است که مورد امتحانی سخت قرار گرفته و سربلند از آن، مورد رحمت و مغفرت الهی قرار می گیرد و خداوند نسب پیامبران را از نسل او قرار می دهد. امروزه تمامی افرادی که به زیارت خانه خدا می روند و حج بجا می آورند می بایست همچون ابراهیم، نفس خود را قربانی کنند. این نسخه تصاویری با سبک نگارگری اصفهان دارد و به نظر اکثر محققان، به سفارش شاه عباس اول و به یقین در دربار ایران اجرا شده است. از خصوصیات منحصر به فرد این نسخه، ارتباط بین متن و نگاره های آن است. چنان که جزء معدود نسخی است که نقاشی در آن، دقیقاً داستانی را نشان می دهد که متن آن در نزدیکی نگاره آورده شده است.

۳۸- جهت کسب اطلاعات در رابطه با وضعیت حکومت شاه اسماعیل دوم رک به: ایران عصر صفوی، نوشته راجر سیوری، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، انتشارات سحر، چاپ دوم، ۱۳۶۶، صص ۶۱-۵۹.

۳۹- سید هاشم رسولی محلاتی، تاریخ انبیا، پیشین، ص ۱۶۴.

۴۰- «و اختلاف کرده اند در ذبح اسماعیل. بعضی گفته اند ذبح اسماعیل بود و بعضی گفته اند ذبح اسحق بود. و اما آن که گویند ذبح اسماعیل بود دلیل کنند به قول مصطفی صلی الله علیه و سلم که گفت: اَنَا ابْنُ الذَّبِيحِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ اسْمِعِيلٌ. و بی خلاف قول مصطفی درست تر بود. و نیز حجت آوردند گفتند: الذَّبِيحِ اسْمِعِيلٌ وَلَكِنَّ الْيَهُودَ حَسَدُوا بِأَوْلَادِ اسْمِعِيلٍ فَيَقُولُونَ كَانَ اسْحَقٌ. و نیز حجت است که حق تعالی در قرآن قصه ذبح به تمامی بگفت و آن گاه آمدن اسحق از مادر یاد کرد و از هر لویی که بود اهل تذکر اسماعیل را ذبح گویند. و پیش از آن بود که ساره گفت مر ابراهیم را که اسمعیل را و هاجر را از من بر، آن گاه بیاورد بود غیر ذی زرع بنهاد؟

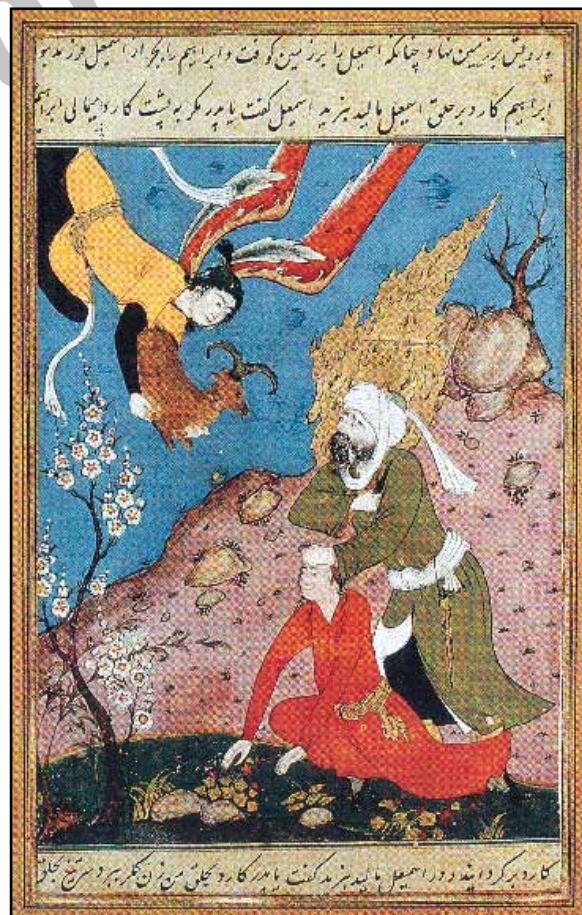
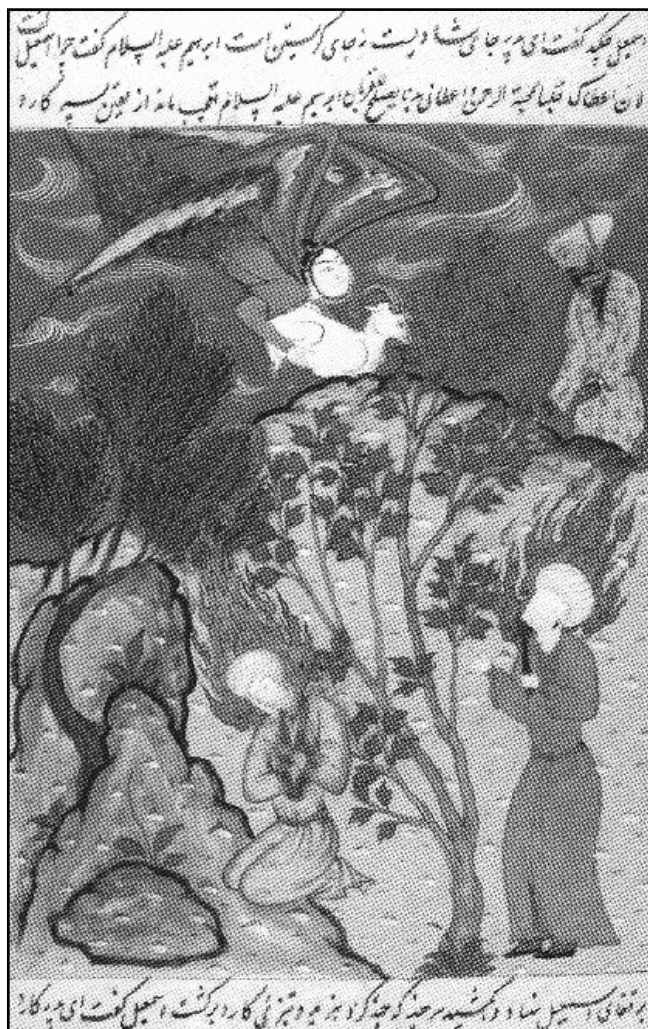
اگر گویی پیش از آن بود واجب کند که ذبح بکوه دیگر بود نه به عرفات و منا آنگاه مانند کردن مناسکها و اماکنها و اوقاتهای آن درست نیاید. و اگر گوئیم پس از آن بود که آن جا آوردش، و ابراهیم در آن جا مقام نکرد هیچ، تا خوابیدی که به خواب دیدی قربان کردن و در هفت روز این کار تمام گشت و فدا آمد. چون فدا بیامد ابراهیم شاد گشت، و اسمعیل نیز شاد گشت، و شکر کرد بدادن فدا. پس گفتند زود بخانه باز باید رفتن و هاجر را آگاه باید کردن تا دلش فارغ گردد. آن گاه ابراهیم و اسمعیل برخاستند و به خانه آمدند و هاجر را از آن حال آگاه کردند و شکر کرد» (ابواسحاق نیشابوری، قصص الانبیا، پیشین، صص ۶۴-۶۳).



نگاره دیگر این داستان، مربوط به نسخه چهارم موزه توپ قاپی سرای استانبول است که به همین موضوع پرداخته است. (تصویر ۵) این نسخه دارای ۲۰۳ صفحه ۲۴×۳۶ سانتی‌متر و ۲۸ تصویر است. این نسخه در اندازه کوچکتری نسبت به دیگر نسخه‌ها تهیه شده و کاغذ آن ضخیم و به رنگ نارنجی است. نوشته‌های متن به خط نستعلیق و رنگ مشکی است. عبارات قرآنی، سرلوح‌ها و عنوان‌ها به رنگ قرمز و طلایی نوشته شده است. رنگ‌های مورد استفاده در این نسخه، طلایی، سبز روشن، قرمز تیره و آبی روشن است. در این نگاره حضرت ابراهیم (ع) با خنجری در دست و هاله‌ای نورانی اطراف سر، رو به آسمان و به سمت جبرئیل، ایستاده است. این‌بار نگارگر تصویر حضرت را ترسیم نکرده و جلوی ایشان در کناره صخره سنگی و درخت، اسماعیل با دستانی بسته و هاله‌ای نورانی اطراف سر نشسته است و سر رو به پایین دارد گویا در چنین حالتی نگارگر، حضرت اسماعیل (ع) را در حالت تسلیم فرمان الهی قرار داده است. جبرئیل با گوسفندی در دست و بال‌های گشاده ترسیم شده است. در قسمت بالایی سمت راست تصویر، شخص دیگری نیز دیده می‌شود که از بالا نظاره‌گر واقعه است که بی‌شک شیطان است با حالتی متفاوت از چهره‌های انسانی، که در این واقعه او مانند همیشه قصد آن را دارد تا اولیاء الهی را نیز از فرمان خداوندی دور نماید.

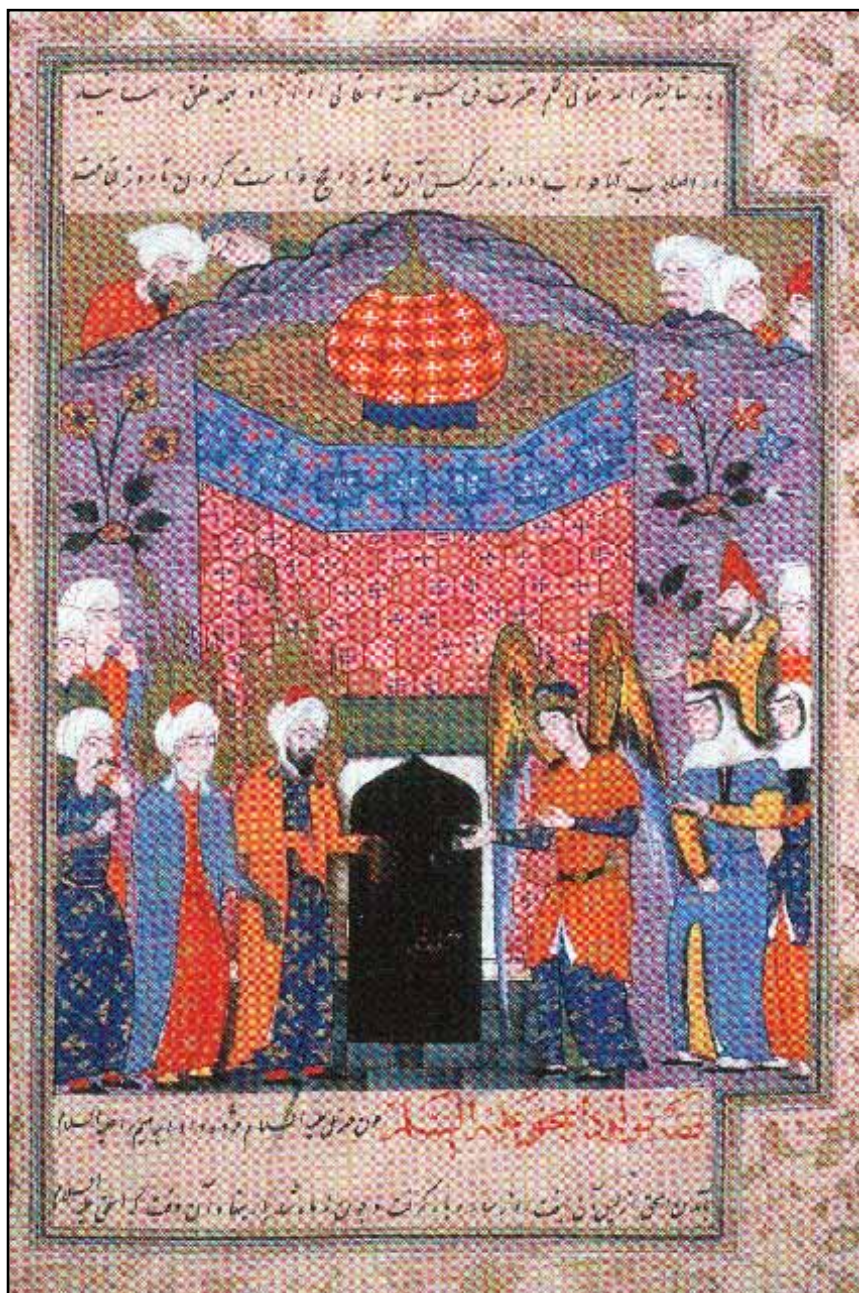
بخشی از متن که گویای موضوع داستان است همچون دیگر نگاره‌ها در کادری، بالا و پایین تصویر قرار دارد. در این نگاره برخلاف تصویر قبلی، پویایی و حرکت کمتری دیده می‌شود. و نگارگر چهره‌ی حضرت ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) را ترسیم نکرده، گویا نگارگر با ترسیم نکردن چهره، قداست و روحانیت آن‌ها را به تصویر کشیده است.

تصویر ۴: راست، ابراهیم (ع) در حال قربانی کردن اسماعیل، نسخه‌ی دوم کتابخانه پاریس.  
تصویر ۵: چپ، ابراهیم (ع) در حال قربانی کردن اسماعیل، نسخه‌ی چهارم موزه توپ‌قاپی سرای استانبول.



۴۱- مزده، کاظم، نقد منتخبی از نگاره‌های قصص‌الانبیاء، پیشین، ص ۱۲۸.





#### داستان ساختن خانه کعبه

برطبق روایات، نخستین کسی که خانه کعبه را بنا کرد و حج بجا آورد، آدم ابوالبشر(ع) بود. سپس در جریان طوفان نوح، خدای تعالی اساس و پایه‌های آن را به آسمان بالا برد و دوباره به زمین باز گرداند. هنگامی که ابراهیم (ع) قصد احیای مجدد بنا را داشت، جبرئیل بر وی نازل شد و جای ساخت کعبه را با ترسیم خطی بوی نشان داد. ابراهیم (ع) مأموریت خطیر و مهم خود را به فرزند خود ابلاغ نمود و ساخت خانه خدا را آغاز نمود. اسماعیل سنگ و گل و سایر ابزار کار را آماده کرد.<sup>۴۲</sup>

بدین شکل خداوند خانه کعبه را که بدست توانای ابراهیم بنا شده بود، به قبله‌ی مسلمانان جهان تبدیل نمود. رنج‌هایی را که برای اعتلای کلمه توحید در آن سرزمین داغ و سوزان متحمل شد به صورت خاطراتی فراموش ناشدنی درآورد و با تشریح مناسک حج، آن خاطرات فراموش‌ناشدنی را برای همیشه زنده و جاوید نگاه داشت.<sup>۴۳</sup> داستان ساخت کعبه در قصص الانبیا نیشابوری نیز به تفضیل آورده شده است.<sup>۴۴</sup>

نگاره‌ی بعدی (تصویر ۶) مربوط به نسخه اول موجود در مجموعه اسپنسر کتابخانه ملی نیویورک است. تاریخ این نسخه ۹۸۴/۱۵۷۷ مقارن با دوران شاه اسماعیل دوم صفوی است. این نسخه دارای ۲۰۹ برگ به اندازه ۳۵/۲۴×۳۵ سانتی‌متر و ۱۸ تصویر است.

تصویر ۶: ابراهیم(ع) و اسماعیل بعد از ساختن خانه کعبه نماز می‌گذارند، نسخه‌ی اول کتابخانه ملی نیویورک.

۴۲- سید هاشم رسولی محلاتی، تاریخ انبیاء، پیشین، صص ۱۸۰-۱۷۸.

۴۳- همان مآخذ، ص ۱۰۳.

۴۴- «خداوندان تحقیق گفته‌اند که چون طوفان نوح بود خدای تعالی آن سنگ‌ها را بکوه‌ها باز داد که آدم برگرفته بود از ایشان. چون حق تعالی ابراهیم را بنای کعبه فرمود برخاست و ساره را واسحق را و جمعی که مسلمان بودند از خاصه‌گان او بیاورد. آن‌گاه ابراهیم بگفت بار خدایا من تقدیر خانه نمیدانم که چیست. حق تعالی وحی کرد که ترا بنمایم، آن‌گاه بفرمود تا آن سنگ‌ها باز آوردند. جبرئیل علیه‌السلام مینمود تا از پنج کوه سنگ بیاوردند، از: طور سینا و زیتا و لبنان و حری و جودی. و گویند جبرئیل برآورد. و سه سال تمام شد و هفت سال آن‌جا بماندند و حجرالاسود ناپدید شده بود. حق تعالی جبرئیل را بفرستاد تا بیاوردند بمقام بهادند، و مناسک‌ها راست کردند. ابراهیم علیه‌السلام حج کرد و آنچه واجب بود بجای آورد. خواست که بازگردد، فرزندان را گفت بیائید تا بر کوه رویم و دعا کنیم. برفتند. ابراهیم گفت دست‌ها بردارید. برداشتند. ابراهیم دعا کرد و گفت: اللَّهُمَّ مَنْ حَجَّ مِنْ شُيُوخِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ فَهَبْهُ لِي. آمین کردند. آن‌گاه اسمعیل را فرمود که دعا کن. اسمعیل گفت: اللَّهُمَّ مَنْ حَجَّ مِنْ كَهُولِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ فَهَبْهُ لِي. ایشان آمین کردند. آن‌گاه اسحق را گفت تو نیز دعا کن. دعا کرد و اسحاق گفت: اللَّهُمَّ مَنْ حَجَّ مِنْ شَبَابِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ فَهَبْهُ لِي. ایشان آمین کردند. آن‌گاه ساره را فرمود دعا کردن. ساره گفت: اللَّهُمَّ مَنْ حَجَّ مِنْ نِسَاءِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ فَهَبْهُنَّ لِي. [آمین کردند]. آن‌گاه هاجر را گفت تو نیز دعا کن: هاجر گفت: اللَّهُمَّ مَنْ حَجَّ مِنْ امَاءِ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ فَهَبْهُنَّ لِي. آمین کردند. چون از دعا فارغ شدند، جبرئیل آمد و گفت یا ابراهیم خلق را به حج خوان. ابراهیم گفت بار خدایا خواندن من که شنود؟ حق تعالی گفت خواندن از تو و رسانیدن از من. ابراهیم گفت: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَنِي بِنَاءِ الْكَعْبَةِ فَتَبَيَّنَتْهَا وَ سَوَّيْتُهَا بِأَمْرِ اللَّهِ وَ دَعَوْتَهُ، فَاجِئُوا لِي زِيَارَتَهُ، يَغْفِرْ لَكُمْ. ملك تعالی آواز او به همه برسانید، همه جواب دادند آن کس‌ها که ایشان را حج روزی خواست بودن تا قیامت گفتند لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ». (ابواسحاق نیشابوری، قصص الانبیا، پیشین، صص ۷۲-۷۰).

این نگاره حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع) را بعد از ساختن خانه کعبه در حالی که به مناجات خداوند مشغول هستند به تصویر کشیده است. حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع) با هاله‌ای نورانی و با جامه‌هایی دارای آستین‌هایی بسیار بلند، دست‌ها را پوشانده است، ترسیم شده‌اند. در مقابل آن‌ها جبرئیل با بال‌هایی بسیار زیبا، نظاره‌گر حادثه است. چهره‌ی مسن‌تر احتمالاً حضرت ابراهیم (ع) و شخص جوانتر، حضرت اسماعیل (ع) است. در وسط ساختمانی شش وجهی با دیوارهایی مزین به نقوش و گنبدی در بالا، تصویر شده است. دیگر افراد حاضر در پایین صحنه احتمالاً از اقوام ساکن در منطقه و پیروان آن حضرت هستند. این‌که ساختمان، خانه کعبه باشد یا نه، جای سؤال است چرا که خانه کعبه گنبد ندارد و شش وجهی نیست. اما براساس تصاویر جدید مسجدالحرام، این ساختمان به حجر ابراهیم که در مقابل خانه کعبه قرار دارد و حجاج در پشت آن نماز می‌گذارند، شباهت بسیاری دارد. در بالای صحنه و پشت صخره‌ها هم افراد دیگری دیده می‌شوند که نظاره‌گر حادثه هستند. کاغذ مورد استفاده در این نسخه کرم رنگ و خارج از کادر تصویر با زمینه‌ای طلایی رنگ، نقوش گل و بوته ترسیم شده است. رنگ‌های مورد استفاده در این نگاره، آبی‌تیره و روشن، قرمز، سبز، طلایی و زرد است. دو نسخه‌ی قصص الانبیاء، موجود در کتابخانه ملی نیویورک سبک قزوین را تداعی می‌کند.

#### داستان مناظره موسی (ع) با جادوگران

در خصوص عصای حضرت موسی (ع) طبرسی (ره)<sup>۴۵</sup> از عبدالله بن سنان روایت کرده که گفت: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: عصای موسی از چوب «آس» بهشت بود که جبرئیل آن را برای موسی آورد. در نقل دیگری کلینی (ره)<sup>۴۶</sup> در کتاب شریف کافی از امام باقر (ع) روایت کرده که آن حضرت فرمود: عصای موسی از آدم‌البشر (ع) به شعیب (ع) رسیده بود و از شعیب نیز به موسی بن عمران رسید و همان عصا اکنون در نزد ما است و به دست قائم آل محمد (عج) خواهد رسید. علم سحر و جادو در سرزمین مصر اهمیت فراوانی داشت و فرانه‌ی مصر نیز برای حفظ مقام و حکومت خود از وجود آن‌ها بهره‌های زیادی می‌بردند و جویندگان آن علم را تشویق می‌کردند و چنانچه در حدیث آمده یکی از اسرار این‌که خداوند متعال معجزه‌ی موسی (ع) را نیز عصا و ید بیضاء قرار داد، همین بود که معجزه‌ی آن حضرت از نسخ کار ساحران باشد و در اثر مهارتی که در این علم داشتند به معجزه بودن کار موسی بهتر واقف گردند.<sup>۴۷</sup>

داستان مناظره موسی (ع) با جادوگران در کتاب قصص الانبیاء نیشابوری آورده شده است.<sup>۴۸</sup>

نگاره مربوط به این داستان برگرفته از نسخه هفتم محفوظ در موزه توپ‌قاپی‌سرا استانبول می‌باشد. این نگاره (تصویر ۷) موضوع معجزه حضرت موسی (ع)، آغاز رسالت آن حضرت را با زیبایی منحصر به فردی ترسیم می‌کند. در این نگاره اژدهایی بزرگ به رنگ قرمز در مرکز تصویر قرار گرفته که در حال بلعیدن یکی از افراد جادوگر است و حضرت موسی (ع) در بالا و گوشه راست با جامه‌ای به رنگ آبی و منقوش، در پشت تخته سنگ‌ها ترسیم شده است. یکی از تفاوت‌های

۴۵- ابوعلی فضل بن حسن بن فضل معروف به شیخ طبرسی ملقب به امین‌الاسلام و مفسر بزرگ قرآن در عصر سلاجقه می‌زیسته است و در فقه، حدیث، ادب، رجال، لغت و علوم ریاضی متبحر بود و شعر می‌سرود. اثر معروف او در تفسیر قرآن مجمع‌الایمان است. ۳۹: ۱۱، ۸۶/۱۲/۱۵. [www.Irib.ir](http://www.Irib.ir)

۴۶- محمدبن یعقوب بن اسحاق کلینی- ثقة‌الاسلام کلینی- مفسر شیعی که تاریخ حیات او با غیبت صغری امام زمان (عج) عجین بود. اثر برگزیده او مهم‌ترین کتاب حدیثی شیعه مجموعه کتاب «الکافی» که شامل فروع کافی (پنج جلد) و روضه کافی (یک جلد) است و اصول کافی (دو جلد) از احادیث پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) می‌باشد و کتابی است که کلینی در طی بیست سال تلاش خستگی‌ناپذیر به تألیف آن موفق شد. ۸۶/۱۲/۱۵، ساعت ۱۱:۵۰. [www.shoolnet.ir](http://www.shoolnet.ir)

۴۷- همان، صص ۸۸-۸۹

۴۸- اما در قصه چنین آمده است که چون جادوان بیامدند، هامان (وزیر فرعون) ایشان را پیش خواند و گفت موسی چنین حجت‌ها دارد، و از آن چهار هزار مرد چهارصد بگزید که داناتر بودند و بیک قول هفتصد برگزید. و در خبر چنان آمده است که جادوان فرعون کارها را درست کردند، و بنزدیک هامان آمدند، و هامان را گفتند ما این همه که می‌کنیم تا این دشمن را قهر کنیم. پس جادوان بیرون آمدند و جایگاه گرم که ریگ بود طلب کردند و آن‌جا شدند. و بیستادند. و آن همه خلق از لشکر و غیر آن بنظاره ایستاده، و موسی با هارون علیهما السّلم جامه‌های خلق پوشیده و عصاها بدست گرفته و با ایشان هیچ زینت و تجمل نه. چون فراز آمدند و آن عصاها و رس‌ها بدیدند، متحک و جنبان‌شده، متحیر شدند که چه شاید بودن. جادوان چون او را بدیدند گفتند ما ترا امروز غلبه کنیم. موسی گفت نتوانید، لیکن مکتبید، و فرمان حق نگاه دارید، و ازین کار زشت و آزار خدای و رسول بازگردید، و برو دروغ میندید. چنانکه گفت: لا تَقْتَرُوا عَلَی اللّٰهِ کَذِبًا. (سوره طه، آیه ۶۱) ایشان گفتند ترا امروز روی سخن نیست، لیکن بگو که تو افکنی یا ما افکنیم. موسی گفت ما آنتم مُلْقُونَ. فَالْقَوَا جِبَالَهُمْ وَ عَصِيَهُمْ (سوره الشعراء، آیات ۴۴-۴۳) (قَالَ لَهُمْ مُوسَى الْقَوَا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ). و ایشان بیفکندند عصاها و رس‌ها، یَخِيلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنْهَا تَسْعَى. (سوره طه، آیه ۶۶) چنان نمود از جادوی ایشان که رودی زیرا که گرمای آفتاب و ریگ گرم شده بدان رس‌ها رسید که سیماپ اندوده بودند و در میان عصاها پر کرده بجنبش آمدند، و خلق پنداشتند که می‌رود، و کس ندانست که در میان سیماپست. پس موسی عصا بیفکند و گفت: بِسْمِ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْمُنَّانِ، الرَّحِيمِ الرَّحْمَنِ. در ساعت عصای موسی سر برآورد و آن‌همه جادوی ایشان فرو خورد. گویند چندین خروار رسن و عصا بود همه فرو خورد، چنانکه هیچ پدید نیامد. آن‌گاه آتش از دهن او جستن گرفت و قصد خلق کرد تا همه سیاه بترسیدند و هزیمت شدند. در تفسیر آورده‌اند که هفتصد هزار مرد در زیر پای لشکر هلاک شدند، باز قصد تخت فرعون کرد و قبه‌ی او. فرعون زینهار خواست. امر آمد که یا موسی عصا را بگیر. موسی عصا را بگیرفت. ساحران با یکدیگر گفتند اگر جادوی بودی ناپدید نشدی، این نیست مگر حق و صنع صانع. ملک تعالی در ساعت دل‌های ایشان را باهمان گشاده گرداند و راه راست‌شان بنمود، در وقت بسجده افتادند و زاری میکردند و می‌گفتند: اَمَّا رَبِّ الْعَالَمِينَ (سوره الاعراف، آیه ۱۲۱). جمله بانگ برآوردند که رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ (سوره الاعراف، آیات ۱۲۲-۱۲۱). مائثانی خدای موسی و هارون را می‌گوییم و سجده می‌کنیم که سجده کردن مر او را سزاست. نیشابوری، قصص الانبیاء، پیشین، صص ۱۸۵-۱۸۰.

این نگاره در طراحی تصویر پیامبران با دیگر نگاره‌ها هم موضوع در حاله‌ای است که دور سر حضرت را پوشانده که فرم آن شبیه شعله نورانی آتش است که دست راست حضرت با ستاره‌ای نورانی و طلایی پوشیده شده است. شاید دلیل این‌گونه استفاده، تضاد آن با پس‌زمینه تصویری است که به رنگ قهوه‌ای بسیار روشن متمایل به رنگ طلایی است. استفاده از ترکیب رنگ، در این هاله نورانی تمایز خاصی در صحنه ایجاد کرده است. در سمت چپ تصویر نیز دو فرد به شکل دیو همراه با ازدها و ماری در دست، سعی در مقابله با این اتفاق دارند که این مسئله گویای سحر و جادوی جادوگران فرعون است و در بالای سمت چپ فردی، احتمالاً فرعون با عمامه‌ای تیرنگ واقعه را نظاره می‌کند. در این نگاره کاربرد رنگ‌های آبی و قرمز نمود بیشتری دارد. بخشی از داستان در کادر بالا و پایین صفحه به خط نستعلیق و به رنگ مشکی نوشته شده است.

داستان ولادت و سخن‌گفتن حضرت عیسی (ع)

عیسی (ع) از پیامبران بزرگوار است که نامش در قرآن کریم بسیار آورده شده و در بیشتر آیاتی که ذکر از آن حضرت به میان آمده نامش با فضیلت توأم با عظمت یاد شده و با تعابیری چون عبدالله و کلمه خدا، روح خدا و تأیید شده‌ی روح‌القدس مفتخر گشته است. در قرآن ۴۵ بار نام حضرت عیسی (ع)، یازده بار با لقب مسیح جمعاً در سیزده سوره نام آن ذکر شده است. مادرش مریم، دختر عمران، است او یکی از زنان برگزیده‌ی عالم، عقیق و پاکدامن است که به مقام قرب حق تعالی نائل گشته و عبادت و خدمتش به پیشگاه خداوند پذیرفته شده است. بی‌حساب و بی‌وسیله از جانب خدا و روزی می‌رسیده و فرشتگان الهی - و در رأس آن‌ها جبرئیل - بر وی نازل گشته و به ولادت فرزندش مسیح او را مژده داده‌اند.<sup>۴۹</sup> سخن گفتن حضرت عیسی (ع) نیز از جمله معجزات این پیامبر صاحب شریعت الهی است.

ابوسحاق نیشابوری داستان حضرت عیسی (ع) با اشاره به آیاتی از سوره مریم به تفصیل بازگو نموده است.<sup>۵۰</sup>

نگاره مربوط به این داستان از نسخه پنجم قصص‌الانبیا محفوظ در موزه توپ قاپی سرای استانبول انتخاب شده است. این نسخه دارای ۲۵۹ صفحه و ۱۶ تصویر است. این نسخه کاغذ نارنجی رنگ ضخیم و نوشته‌هایی به رنگ مشکی دارد. عبارات قرآنی استفاده شده در آن به رنگ‌های آبی و طلایی است. دیگر رنگ‌های آن طلایی، نارنجی و سبز روشن و خط آن نستعلیق است.

در این نگاره (تصویر ۸) تمثال‌های مبارک، حضرت مریم (س)، حضرت عیسی (ع) و حضرت زکریا (ع)، که از اوان کودکی حضرت مریم (س)، حامی ایشان بوده است، با هاله‌ای نورانی بر دور سر، به تصویر کشیده شده‌اند. حضرت عیسی (ع) در آغوش حضرت مریم قرار گرفته است. دیگر افراد حاضر در صحنه نشسته و به سمت کودک (حضرت عیسی (ع)) اشاره دارند و رو به سوی زکریا (ع) حالتی پرسشی دارند. شش نفر از این تعداد، کلاه‌خودی بر سر دارند که نشانگر تعلق آن‌ها به افراد حکومتی است. در بخش بالای تصویر، پنج نفر در پشت تخته‌سنگ‌ها حضور دارند که شاهد ماجرا هستند. مقابل حضرت مریم (س) با پوششی کامل بر سر و جامه‌ای به رنگ روشن و منقوش، عیسی را در آغوش دارد و نگاه او رو به سوی مقابل است و در حال حمل عیسی (ع) به سمت جلو و اشاره به افراد است. این نوع ترسیم از حضرت مریم (س) خود گویای واقعیت رخ داده است که حضرت مریم (س) روزه سکوت اختیار کرده و خود با افراد سخن نمی‌گوید. رنگ‌های مورد استفاده در این نگاره، آبی، سبز، قرمز و رنگ زرد هستند. نوع پوشش پیکره‌ها همچون دیگر نگاره‌ها، شبیه به پوشش‌های اوایل دوران صفویه است. انطباق آیات قرآنی درخصوص واقعه حضرت مریم (ع) و عیسی (ع) با نوع ترسیم نگارگر همخوانی قابل توجهی دارد.

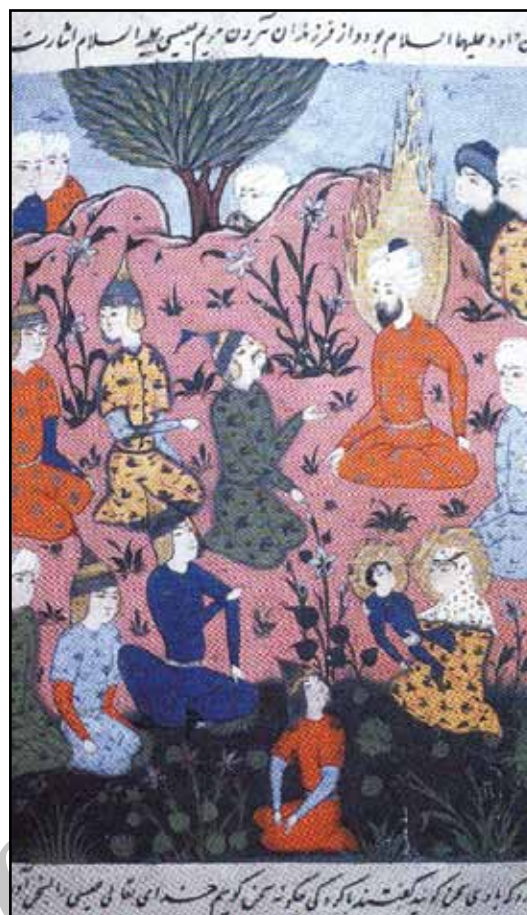
نسخه مربوط به این نگاره منسوب به هنرمندان و حامیان هنری امپراطوری عثمانی است یک امپراطوری بزرگ مسلمان در سده‌های شانزدهم-هجدهم/دهم- یازدهم مرادفات فرهنگی و هنری قابل توجهی با حکومت شیعی مذهب صفویه داشته‌اند.

۴۹- سید هاشم، رسولي محلاتي، تاريخ انبياء، پيشين، ص ۲۸۹.

۵۰- «پس مریم چون خواست که بار بنهد از آن عباد و زهاد که در بیت‌المقدس بود شرم بداشت بیرون شد، بیامد به سایه درخت خرمای خشک شده بنشست، و عیسی (ع) به دنیا آمد، و از درد و شرم مردمان گفت: يَا لَيْتَنِي مَتَّ قَبْلَ هَذَا. سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۲۳.

گفت کاشکی پیش ازین که مرا این پیش آمد مہرمدی تا کسی مرا نشناختی و یاد نکردی وجبریل دلش خوش کرد: فَكَلِمَةٍ وَ اَشْرَی وَ قَرَّی عَیْنًا (سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۲۶). گفت ازین خرما بخور و از این آب، و چشم روشن دار بدین فرزند که آوردی. فَاِمَّا تَرِیْنِ مِنَ الْبَشَرِ اَحَدًا (سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۲۶) و اگر کسی از آدمیان بینی، فَقَوْلِي اِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا. (سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۲۶) بگویی که من امروز با کس سخن نمی‌گویم چه من بروزه‌ام. آن‌گاه مریم عیسی را بگرفت و بنزدیک قوم خود باز آمد آن زهاد و عباد عجب داشتند و بسوی زکریا رفتند و گفتند تو او را تنها بجای ماندی تا زنا کرد. زکریا گفتن او چنین نکنند. گفتند این از کجا آورد مریم؟ گفت او را پرسید وگفتند: يَا مَرْیَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا (سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۲۷). این چیزی سخت منکر آوردی. يَا اَحْتَّ هَارُونَ مَا كَانَ اَبُوکَ اَمْرًا سُوًّا وَ مَا كَانَتْ اَمَلُکَ بَعِيًّا. (سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۲۸) یا خواهر هارون پدر تو مردی بد نبود و نیز مادرت زنا کننده نبود این از کجا آوردی؟ آن‌گاه مریم بسوی عیسی اشارت کرد که سخن با خود او بگوید. فَاشَارَتْ اِلَيْهِ (سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۲۹). گفتند بر ما افسوس می‌کني، و ترا این رسد که ما را بفرمایی که ما با کودکی در مهد سخن گوئیم؟ در ساعت حق تعالی عیسی را بسخن آورد مر علامت نبوت را و آیت را میان خلق و پاپی مریم و زکریا را. [گفت:] اِنِّي عَبْدَاللهُ؛ (سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۳۰) من بنده خدایم. تا بگفت: اَتَانِي الْکِتَابُ. (سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۳۰) یعنی الانجیل، وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا. (سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۳۱) مرا انجیل پیاموخت و مرا پیغامبری داد بکودکی. و خدای تعالی درود خویش بر من کرد آن روز که درین جهان آمدم و آن روز که ازین جهان بیرون روم و آن روز که نزد خداوند روم». ابوسحاق نیشابوری، قصص‌الانبیا، پيشين، صص ۳۶۹-۳۶۶.





تصویر ۷: چپ،  
تبدیل شدن  
عصای موسی (ع)  
به اژدها و  
پیروزی بر  
جادوگران  
و ساحران  
مصری، نسخه ی  
چهارم موزه ی  
توپ قاپی سرای  
استانبول.

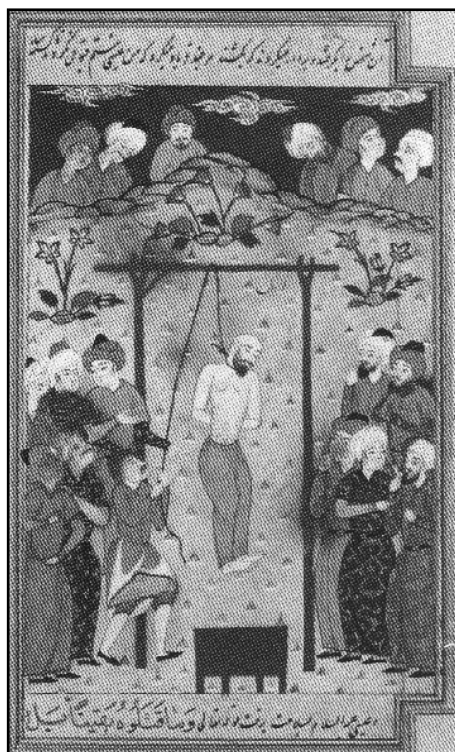
تصویر ۸: راست،  
سخن گفتن  
حضرت  
عیسی (ع) بعد از  
ولادت، نسخه ی  
خطی پنجم  
موزه ی  
توپ قاپی سرای  
استانبول.

داستان رفتن حضرت عیسی (ع) به آسمان و بر دار شدن بدل او<sup>۵۰</sup> در این نگاره (تصویر ۹) که داستان آن در کتاب قصص الانبیا نیشابوری به صورت مبسوط پرداخته شده.<sup>۵۱</sup> پیکره ای نحیف در میانه ی تصویر بر بالای دار ترسیم شده و مردم نظاره گر واقعه هستند. فردی نیز در کنار دار در حال کشیدن طناب است. این نگاره متأسفانه به رنگ سیاه و سفید به دستمان رسیده و تا حدی نیز چهره ی برخی از افراد مختوش شده است. همان گونه که از متن داستان برمی آید فرد بالای دار شخصی است که اطرافیان او را به تصور این که حضرت عیسی (ع) است به دار کشیده اند. در واقع در این نگاره، بدل عیسی بر چوبه دار اعدام می شود. افراد حاضر در تصویر که در حال نظاره کردن ماجرا و گفتگو با هم هستند، احتمالاً از یهودیانی می باشند که به حضرت عیسی (ع) ایمان نیاورده اند و همان طور که در داستان ذکر شده، آن ها هنوز در تردید عملی که انجام داده اند قرار دارند که آیا این فرد همان عیسی مسیح (ع) است؟!

۵۱- «حضرت عیسی (ع) با پشت کار و دلگرمی عجیب به کار تبلیغ دین خود اشتغال داشت و بهر شهر و ده و روستایی که وارد می شد بیماران و زمین گیران و کوران و کران را شفا می داد و معجزات نبوت خود را به مردم می نمایاند. پیشرفت آئین الهی و دیانت حضرت مسیح رؤسای یهود را مصمم ساخت تا تصمیم قطعی خود را درباره آن حضرت بگیرند و نقشه قتل آن حضرت را طرح کنند. در این جا و به گفته بسیاری از مورخین یهودی اسخریوطی تطمیع شد و دین خود را بدین فروخت با این که خود در زمره حواریون آن حضرت بود و در صدد برآمد تا محل حضرت را به یهود و مأموران دولتی نشان دهد. آنچه بر ما مسلم است این است که یهود نتوانست عیسی (ع) را دستگیر سازد. بر طبق روایاتی بسیار که از طریق شیعه و سنی نقل شده است حضرت عیسی (ع) در آخرالزمان به زمین فرود می آید و حضرت مهدی (عج) را مقدم می دارد و در پشت سر آن حضرت نماز می گذارد و پیروان آن حضرت بدین اسلام درمی آیند و اسلام بر همه ادیان پیروز می شود». (تاریخ انبیا، پیشین، صص ۳۳۲-۳۳۰).

۵۲- «و در قصه چنین آمده است که چون عیسی علیه السلام آخر عمرش بود، به بیت المقدس باز شد. جهودان قصد کشتن او کردند و آن ملک را با خود یار کردند و تدبیر هلاک وی می کردند. خبر به عیسی رسید در خانه پنهان شد. بعضی گویند که حواریان با وی بودند. پس جهودان خبر یافتند که او کجاست. بیامد او را بگیرند و خواستند که بکشند، و خدای تعالی جبرئیل را علیه السلام بفرستاد تا بیامد و او را از میان ایشان برداشت و به آسمان برد. و بعضی گویند در بنی اسرائیل جوانی بود مهتر ایشان. وی بطلب عیسی در خانه درآمد. عیسی بر بام شد خدای تعالی جبرئیل علیه السلام را بفرستاد تا بیامد و عیسی را به آسمان برد. آن مهتر ایشان همه خانه را بجست، عیسی را نیافت، خواست که بیرون آید خدای تعالی شبه عیسی برو افکند، بیرون آمد، گفت عیسی را نمی یابم. گفتند چگونه که خود عیسی تویی بگفتندش و بگشتندش. و بعضی گویند در آن وقت درآمد که عیسی در نماز ایستاده بود هر چند طلب کرد او را نیافت، چون خواست که بیرون آید خدای تعالی شبه عیسی برو افکند، و شبه او بر عیسی، تا او را بگیرند و بکشند و عیسی از میان بجست سلامت، و می آمد تا آنجا که عبادت گاه او بود. آن گاه جبرئیل بیامد و او را به آسمان برد، چون ایشان یار خود را ندیدند بشک افتادند که این که کشتیم یار ما بود یا عیسی. و در آن شک ماندند و هنوز جهودان در آن شک مانده اند» (ابواسحاق نیشابوری، قصص الانبیا، پیشین، صص ۳۸۳-۳۸۲).





تصویر ۹: بدل عیسی بر پای چوبه دار، نسخه‌ی کتابخانه برلین.

این نگاره از نسخه محفوظ در مجموعه دایز کتابخانه برلین انتخاب شده است. بر اساس روال دیگر نگاره‌ها، بخشی از داستان در کادر مخصوص، به خط نستعلیق و به رنگ مشکی نگارش شده است. جایگاه نقل داستان‌ها در تمامی نگاره‌های مورد بحث در نسخه‌های مصور قصص الانبیا، در بالا و پایین کادر نگاره، به صورت کتیبه‌ای، نقش بسته است.

#### داستان معراج پیامبر(ص)

حضرت محمد (ص) آخرین فرستاده و پیامبر صاحب کتاب و شریعت از سوی خداوند است که در شهر مکه و در قبیله قریش دیده به جهان گشود و دنیای تاریک و ظلمانی آن دوران را روشن کرد و نور هدایتش در تمامی عالم گسترده شد.

پیامبر(ص) با تمام فضائلی که در او یافت می‌شد، هرگز دعوی آن نکرد که دارای خصایص فوق بشری است. او خود را بشری می‌دانست که به او وحی می‌رسید<sup>۵۳</sup> و خداوند در قرآن کریم در سوره انعام آیه ۴۱ چنین می‌فرماید: «قُلْ أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ...» «بگو جز این نیست که من بشری مانند شما هستم با این تفاوت که به من وحی می‌شود...»<sup>۵۴</sup>

در قرآن آیاتی نقلی شده است که به مقام و جایگاه باعظمت و منحصر به فرد پیامبر(ص) اشاره شده است.<sup>۵۵</sup> یکی از داستان‌های زیبا و شگفت‌انگیز زندگانی حضرت محمد (ص) عروج آن حضرت به آسمان است که نشان از جایگاه و مرتبه‌ی آن حضرت دارد. خداوند در سوره‌ی اسراء آیه اول به این واقعه اشاره نموده است.<sup>۵۶</sup>

عروج محمد(ص) چند سال پس از آغاز مأموریت پیامبری و در زمانی اتفاق افتاد که به نظر می‌رسید از همگان، دست کشیده و تسلیم محض خواست الهی بود. این واقعه به شکل وصف‌انگیزی تبدیل به افسانه شبیه به حالت خلسه گشت.<sup>۵۷</sup>

کلمه معراج از عرج آمده که بالاتر رفتن را معنی می‌دهد و اسراء نیز به معنای رفتن در شب است.<sup>۵۸</sup> و<sup>۵۹</sup> معراج پیامبر(ص)<sup>۶۰</sup> یکی از مضامینی است که در هنر نگارگری اسلامی بسیار به آن پرداخته شده است و در هر دوره هنری نقاشان و حامیان آن‌ها سعی در به تصویر کشیدن این واقعه‌ی بزرگ داشته‌اند. معراج موضوعی مذهبی است که در تمامی دوره‌ها و عرصه‌های هنری مصور گشته است.<sup>۶۱</sup> به‌طور کلی اکثر نسخه‌های قصص الانبیا مصور، تصویری مربوط به داستان معراج حضرت محمد (ص) می‌باشد.

در این بخش ۲ نگاره مربوط به معراج پیامبر انتخاب شده است که هر دو مربوط به نسخه‌ی محفوظ در مجموعه دایز، کتابخانه ملی برلین است. این دو نگاره که یکی حضرت محمد (ص) را در آغاز سفر و دیگری در مسیر معراج به تصویر کشیده است، با دیگر نگاره‌های نسخه مورد نظر کمی تفاوت دارند. همان‌طور که پیشتر اشاره شد این نسخه دارای دو نوع شیوه و سبک نگارگری است.

۵۳- مهناز، شایسته‌فر، تأثیر سیره نبی بر هنر نگارگری و معماری اسلامی، پیشین، ص ۱۲۱.

۵۴- قرآن بزرگترین معجزه پیامبر اکرم (ص) است چرا که علم فصاحت و بلاغت در آن زمان و در شبه جزیره عربستان و میان اعراب رواج زیادی داشت و از آن روی که محمد (ص) فرد عامی و بی‌سواد در میان مردمان آن زمان بود نزول قرآن و آیه‌های آسمانی همگی نشانه‌هایی از معجزه تقلیدناپذیر آن رسول بزرگوار است.

۵۵- یکی در سوره‌ی علق آیات ۳ تا ۴ که خداوند همانند آدم (ع) همه نام‌ها را به محمد آموخت.

۵۶- «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» «پاک و منزّه است آن خدایی که بنده‌اش را از مسجدالحرام تا مسجدالقصی که اطرافش را برکت داده‌ایم شبانه برد، تا از نشانه‌های خود به او نشان دهیم. همانا او شنوا و بیناست»، برگرفته از پایگاه [www.qaraati.net](http://www.qaraati.net) تاریخ ۱۴/۱۲/۸۶ ساعت ۰۵:۵۳

۵۷- ماری، رزسگای، معراج‌نامه، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۳.

۵۸- محسن، ادیب بهروز، معراج از دیدگاه قرآن و روایات، بی‌جا، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۱۹.

۵۹- معراج مقدس‌ترین سفر در طول تاریخ است، مسافرش پیامبر اسلام (ص)، مبدأ آن مسجدالحرام، گذرگاهش مسجدالقصی، میزبانش خدا، هدف آن دیدن آیات الهی، سوغاتش اخبار آسمان‌ها و ملکوت و بالابردن سطح فهم بشر از این دنیای مادی بوده است. معراج پیامبر، جسمانی و در بیداری بوده، نه در خواب و با روح و اصل آن از ضروریات دین و مورد اتفاق همه فرقه‌های اسلامی است. (محسن قرائتی، تفسیر نور، تفسیر کامل قرآن، برگرفته از سایت [www.qaraati.net](http://www.qaraati.net)، تاریخ ۱۴/۱۲/۸۶ ساعت ۰۵:۵۳)

۶۰- بخش اول این سفر آسمانی در آیه اول سوره اسراء آمده است یعنی سیر از مکه و مسجدالحرام به مسجدالقصی و بیت المقدس و در سوره‌ی نجم آیات ۱۸- ۱۳ قسمت دوم معراج یعنی سیر آسمانی آمده است. زمان معراج پیامبر را بعد از سفر طائف در یازدهمین سال بعثت مشخص کرده‌اند. در تاریخ، ۵ زمان برای معراج به ثبت رسیده است: ربیع‌الاول، ربیع‌الآخر، رجب، رمضان و شوال که معروف‌تر از همه ۲۷ رجب است. پیامبر پس از نماز مغرب در مسجدالحرام از طریق مسجدالقصی به‌وسیله «براق» به آسمان‌ها رفت و چون برگشت، نماز صبح را در مسجدالحرام خواند. (ماری، رزسگای، معراج‌نامه، پیشین، ص ۸).

۶۱- همان، ص ۸.

نگاره اول (تصویر ۱۰) حضرت محمد (ص) را پیش از رفتن به معراج و در آغاز سفر نشان می‌دهد. آن حضرت در حالی که هاله‌ای نورانی دور سر ایشان است به کمک فرشته جبرئیل سوار براق می‌شود. چهره‌ی حضرت به وسیله بخشی از عمامه ایشان پوشیده شده و جامه حضرت به رنگ‌های سفید و سبز آرایش شده است. براق نیز در هاله‌ای نورانی تصویر شده است. در واقع، تمام سطح نگاره، پوشیده از انوار الهی است. حضور فرشتگان که هر کدام در دستان خود شی‌ای نورانی دارند، با بال‌های گشاده به شکوه‌مندی تصویر افزوده است. سر براق به شکل انسان با تاجی بر سر طراحی شده است.<sup>۶۱</sup> در گوشه پایین سمت چپ تصویر شخصی ترسیم شده که با جامه‌ای قرمز رنگ نظاره‌گر واقعه است. در این نگاره برخلاف دیگر نگاره‌ها در بالای صفحه چهار بیت شعر به خط نستعلیق نوشته شده است.<sup>۶۲</sup>

در قسمت پایین تصویر حکایتی فارسی از حضرت مولانا جلال‌الدین نوشته شده است.<sup>۶۳</sup> این حکایت که از زبان شاعر و عارف سده‌ی سیزدهم / هفتم نقل شده، نشان از بزرگی و عظمت جایگاه حضرت محمد (ص) دارد و آن‌که او آگاه بود که هیچ‌کس نمی‌تواند پی به عظمت خدا برد. رنگ‌های مورد استفاده در این نگاره، آبی سیر به عنوان پیش‌زمینه (که نشان‌دهنده رنگ آبی آسمان در شب، زمان انجام سفر است) قرمز، سبز، نارنجی و طلایی است. در بالای نگاره کنار محل نگارش ابیات، ماه نیز تصویر شده است. در این داستان هم شخصیت حضرت محمد (ص) اهمیت ویژه‌ای دارد و هم خود رویداد که در شبی استثنایی رخ داده و هم گفتگو پیامبر با جبرئیل، پیامبران و مؤمنان در این سفر ملکوتی.



تصویر ۱۰: حضرت محمد (ص) در آغاز سفر معراج، نسخه‌ی کتابخانه برلین.

۶۲- «به امر حضرت احدیت جبرئیل امین (ع) براق را برای سواری حضرت رسول صلی‌الله علیه و آله در شب معراج آورد. چنان‌چه در دعای ندبه به آن اشاره شد «وَسَخَّرَ لَهُ الْبُرَاقَ» و براق حیوان بهشتی بود که از حیث جثه کوچک‌تر از استر و بزرگ‌تر از حمار بوده و هرگاه از پستی به بلندی سیر می‌کرده دست‌های او کوتاه و پاهای او بلند می‌شده که پشت او صاف گردد و به راکبش صدمه‌ای وارد نیاید و هرگاه در هوا پرواز می‌کرده به کمتر ساعتی برای او طی تمام عالم ممکن بوده و به روی زمین که سیر می‌کرده به هر گام خود یک مد بر سر می‌پیموده و چون پیغمبر اکرم خواست بر پشت او سوار شود براق تمکین نمی‌کرد. جبرئیل طاب‌نچه‌ای بر او زد و گفت هرگز بر پشت تو از پشتیبان و آن‌هایی که بعد می‌آیند کسی سوار نشده و سوار نخواهد شد که افضل از پیامبر خاتم باشد و لذا براق تمکین آن جناب را نمود و حضرت رسول صلی‌الله علیه و آله بر پشت آن سوار گشت.» (ماری، رزسگای، معراج‌نامه، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۴).

۶۳-

زمان خواجه وقت استوار بود	که از هر ظل و ظلمت مصطفی بود
بخط استوار بر قامت راست	ندارد سایه پیش او چپ و راست
به سمت او جو شیطان شد مسلمان	زیر پای او شد سایه پنهان
ندارد سایه کو دارد سیاهی	زهی نور خدا ظل الهی

۶۴- حکایت بدین شرح است: روزی حضرت مولانا از پیش خوان شکرریزان می‌گذشت، حضرت مولانا شمس‌الدین تبریزی برخاست و پیش آمد عنان مرکب مولانا را برگرفته که یا اماما لمسلمین ابا یزید بسطامی بزرگتر بود یا محمد؟ مولانا فرمود: حضرت محمد رسول‌الله بزرگترین عالمیان بود چه جای بایزیدست؟ گفت پس چه معنی است که او با همه عظمت خود می‌فرماید: «مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ» و ابن بایزید می‌گوید: «سُبْحَانِي مَا أَعْظَمَ شَأْنِي» و «أَنَا سُلْطَانُ السُّلْطَانِ» مولانا فرمود که بایزید را تشنگی از جرعه‌ای ساکن شد و دم از سیرایی زد و کوزه‌ی ادراک او از آن مقدار پر شد و آن نور به قدر روزن خانه‌ی او بود. اما حضرت محمد (ص) را استسقای عظیم بود و تشنگی در تشنگی و سینه‌ی مبارکش به شرح «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» «أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةٌ» گشته بود لاجرم دم از تشنگی زد و هر روز در استدعای قربت زیادتی بود، و از این دو دعوی، دعوی مصطفی عظیم است، از بهر پیش رفت، انوار و عظمت و قدرت و حکمت حق را یوماً به یوماً و ساعهً بعد ساعهً زیاده می‌دید. از این روی «مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ» می‌گفت. (مناقب‌العارفین، جلد ۲، ص ۶۱۹ و آنه ماری شیمل، محمدرسول خدا (ص)، مترجم حسن لاهوتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳، صص ۱۱۳-۱۱۲).



تصویر ۱۱: معراج حضرت محمد (ص)،  
نسخه‌ی کتابخانه برلین.

نگاره دوم این داستان (تصویر ۱۱) حضرت محمد (ص) را سوار بر براق و در طی مسیر سفر به تصویر کشیده است. فرشتگان خدا، در این سفر معجزه‌آسا و استثنایی حضرت را همراهی می‌کنند. چهره حضرت با بخشی از عمامه‌اش پوشیده شده است. در مقابل ایشان شیری در حالت نشسته تصویر شده و پشت سر او خورشید<sup>۶۵</sup> خودنمایی می‌کند. همچنین در پشت سر حضرت محمد (ص) فرشته‌ای، علمی با پارچه‌ای سبز رنگ در دست دارد که بر روی آن نوشته شده است «یاالله». در این نگاره حضرت به همراه براق و شیر در پوششی از هاله‌ای نورانی قرار گرفته‌اند. همانند نگاره‌های پیشین در توصیف ماجرا از شعر استفاده شده که به صورت یک بیت در بالا و یک بیت در پایین به خط نستعلیق آورده شده است.<sup>۶۶</sup>

مضمون هر دو این ابیات به شخصیت و جایگاه والای حضرت اشاره دارد. رنگ‌های مورد استفاده در این نگاره همچون نگاره قبلی، آبی‌سبز، قرمز، سبز، نارنجی، زرد و طلایی است. در پس‌زمینه، ستارگان و اجرام آسمانی نیز به تصویر کشیده شده‌اند.

داستان فتح خیبر به دست حضرت علی (ع)

حضرت علی (ع) مولود خانه کعبه، پسر عم، یاور، حامی و داماد رسول خدا (ص) بود و اولین مردی بود که به اسلام ایمان آورد و تا زمانی که در خانه خدا به ضرب شمشیر شقی‌ترین انسان‌ها به شهادت رسید همواره در راه خدا و در جهت رسیدن به دینی بدون تفرقه و حکومتی اسلامی بر مبنای دستورات خداوند و تعالیم آخرین فرستاده‌اش گام برداشت. در داستان‌های تاریخ از او به‌عنوان پهلوان و دلاور سپاه اسلام یاد می‌کنند و شاعران در وصف شخصیت و جایگاه آن حضرت شعرها سروده‌اند.

حضرت علی (ع) در تمامی جنگ‌ها و غزوات در کنار حضرت محمد (ص) و سپاهیان اسلام از جمله آن‌ها، جنگ خیبر، که با گروهی از یهودیان انجام گرفت، حضور داشتند.<sup>۶۷</sup>

در این پیکار، علی (ع) به‌سبب چشم‌درد، از جنگ ناتوان بود. پیامبر، ابوبکر را فراخواند و پرچم را بدو سپرد، ابوبکر با سپاهی از مهاجرین به جبهه رفت ولی پیروزی نیافت و بازگشت. فردا، عمر به همان ترتیب رفت و ناپیروزمند بازگشت در حالی که مسلمان‌ها را از مبارزه می‌ترسانید و مسلمانان نیز او را پیامبر فرمود، پرچم از آن اینان نبود، علی را بیاورید. به‌عرض رسید: او چشم‌درد دارد. فرمود: او را بیاورید، او مردی است که خدا و پیامبرش او را دوست دارند و او نیز خدا و پیامبرش را دوست دارد. علی را آوردند، پیامبر فرمود: علی از چه ناراحتی؟ ایشان فرمود: از چشم‌درد و سردرد، پیامبر او را دعا کرد و از آب دهان بر سر و چشم او کشید، درد برخاست و علی نیز پرچم سفید را برافراشت و در دست گرفت. پیامبر خدا فرمود: جبرئیل همراه توست و پیروزی از آن توست. خدا در دل آنان ترس و بیم افکنده و بدان! آنان در کتاب خویش یافته‌اند که نام کسی که مغلوبشان می‌سازد ایلیا (علی) است، چون به آنان رسیدی بگو نام من علی است، به اراده خداوند، خوار خواهند شد.<sup>۶۸</sup> داستان فتح خیبر در قصص الانبیا نیشابوری به صورت کامل و مشروح آمده است.<sup>۶۹</sup>

۶۵- شیر و خورشید، نمادی ملی و مربوط به ایرانیان باستان است و در طول تاریخ، به شیوه‌های مختلف بر روی پرچم و بیرق ایران کاربرد داشته و با تغییر و تحول حکومتی این نشان تغییر نمی‌یافته است. خورشید نماد مهر (میترا) و شیر نشانه مردانگی و دلآوری است و همچنین شیر یا آسد پیشنامی از نام‌های حضرت علی است که او را اسدالله می‌خوانند. شاید قصد نگارگر از ترسیم شیر و خورشید در این نگاره ارتباط معنوی ایرانیان در طول تاریخ اسلام با ائمه (ع) است و این‌که شاهان صفوی خود را از انساب حضرت علی (ع) می‌دانستند. برگرفته از پایگاه ۸۶-۱۲/۷ ساعت ۸:۵۲ www.marlikiran.tripod.com

۶۶- بیت بالای نگاره: بحر محیط از کف جودش کفی  
بیت پایین نگاره: پایه معراج کمین پایه‌اش  
از سر ما کم نشود سایه‌اش  
نه فلک از آتش مهرش تفی

۶۷- از آن جهت که آنان با مشرکین روابط نظامی و اقتصادی داشتند و امنیت مسلمانان از سوی آن‌ها تهدید می‌شد، در سال هفتم/ اول مسلمانان به‌سوی خیبر که ستاد مرکزی دشمن به‌شمار می‌آمد حرکت کردند و پس از محاصره و جنگ، یهودیان تسلیم حکومت اسلامی شدند. (نگرشی کوتاه بر زندگی پیامبر اسلام، موسسه‌ی در راه حق، قم، چاپ پنجم، ۱۳۶۱، صص ۹۹-۱۰۰).

۶۸- پیشوای اول، حضرت امیرمؤمنان علی (ع)، بی‌تا، موسسه در راه حق، قم، صص ۱۲.

۶۹- در قصه چنین آمده است که چون سال هفتم بود، رسول علیه‌السلام به مکه آمد، و طواف بکرد، و عمره بیاورد، و هدی آورد، و بیرون آورد، و از مکه پمیدینه آمد، و با ده هزار مرد بجنگ خیبر بیرون آمد، و بر سر خیبر فرود آمد. و خلقی بسیار نیز از جهودان از خیبر بیرون آمدند، و صف برکشیدند. مبارزی از جهودان بیرون آمد و مبارزی از مسلمانان بیرون رفت. سه تن یا هفت تن از مسلمانان کشته شد و مسلمانان ضعیف‌دل شدند. چون رسول آن حال بدید گفت علی را بخوانید. و آن روز چشم علی درد می‌کرد. رسول صلی‌الله علیه وسلم دعا کرد در ساعت بهتر شد. علی با ذوالفقار بیرون رفت. و مبارز خواست و سه مبارز از گردن‌کشان ایشان بگشت. چون جهودان آن بدیدند همه هزیمت شدند، و مسلمانان از پس ایشان درآمدند تا بغیر رسیدند و جهودان خیبر را حصار کردند. چون مسلمانان اندر رسیدند یافتند در حصار استوار کرده. علی درآمد و حلقه‌ی در را بگرفت و از جای خویش برکند، و چهل گز از پس پشت بینداخت، و اندیشید که این من کردم. جبرئیل علیه‌السلام خود را بدو نمود که من با تو بودم. (ابواسحاق نیشابوری، قصص الانبیا، پیشین، ص ۴۳۹).

دو نگاره مربوط به واقعه‌ی فتح قلعه خیبر یکی از نسخه دوم کتابخانه ملی نیویورک و دیگری نسخه هشتم موجود در موزه توپ‌قاپی‌سرای استانبول گزینش شده است. نسخه موجود در استانبول دارای ۱۶۸ صفحه و ۲۹ تصویر است. در روی جلد چرمی آن یک شمشه طلایی وجود دارد. نوشته‌های متن به خط نستعلیق سیاه، سرفصل‌ها و سرلوح‌ها به رنگ آبی، عبارات قرآنی به رنگ های قرمز و طلایی است. رنگ‌های مورد استفاده در آن طلایی، نارنجی و سبز روشن است.

نگاره اول (تصویر ۱۲) حضرت علی (ع) را در حالی که دروازه‌ی قلعه در دست چپ دارد در پایین سمت چپ تصویر دیده می‌شود. در سمت راست تصویر، دیوارهای قلعه با تزیینات آجری شکل رسم شده اند. در بالای قلعه، افرادی از یهودیان، تیر و کمان به دست، در حال تیراندازی به حضرت علی (ع) هستند. در پشت سر ایشان فردی در کنار مرکبی ایستاده است. در سمت راست نگاره، حضرت محمد (ص) نظاره‌گر حادثه است. سرهای مبارک حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) در هاله‌ای نورانی طراحی شده و صورت آن‌ها پوشانده شده است. یکی از نکات جالب توجه در این نگاره آن است که بر روی دیوار قلعه، دو روزنه تصویر شده که از آن‌ها دهانه توپ بیرون آمده است. از آن روی که این نگاره‌ها در دوران صفوی ترسیم شده، این اجزاء متأثر از شرایط و موقعیت اجتماعی و تجهیزات نظامی آن دوره است. در کادر بالا و پایین صفحه، همچون نگاره‌های قبلی، بخشی از داستان فتح قلعه خیبر به خط نستعلیق نگارش شده است. استفاده از رنگ‌های آبی و بنفش بیشتر از دیگر رنگ‌ها دیده می‌شود. هیبت افراد تصویر شده، از نظر چهره و لباس، گویای اقتدار حکومت صفوی است. در این داستان بر شخصیت و جایگاه بلندمرتبه حضرت علی (ع) به عنوان یاور، وصی پیامبر و پهلوان سپاه اسلام تأکید شده است. به علاوه واقعه خیبر یکی از حوادث جنگی مهم مسلمانان صدر اسلام است که حضرت علی (ع) در آن نقش ویژه‌ای داشته است.

نگاره دوم این داستان- نسخه‌ی هشتم موزه توپ‌قاپی‌سرای استانبول- (تصویر ۱۳)، حضرت علی (ع) را با هاله‌ای نورانی و چهره‌ای پوشیده در حالی که در قلعه در دست راست ایشان است، تصویر شده است. در بالای قلعه نیز افراد سپاه یهود با تیر و کمان در حال تیراندازی و یا پرتاب سنگ به پایین هستند. در پشت سر ایشان همچون نگاره قبلی فردی مرکب ایشان را در دست دارد و حضرت محمد (ص) با چهره‌ای پوشیده در بالای سمت راست تصویر در میان افراد و سپاهیان و در حال گفتگو با آن‌ها، نظاره‌گر حادثه است. این نگاره متأسفانه به شکل سیاه و سفید بررسی می‌گردد که البته اجزاء و نحوه قرارگیری افراد همچون نگاره قبل است. با این تفاوت که گویی اجزاء تصویر حالتی قرینه نسبت به نگاره قبل دارد.

نگاره پایانی مربوط به تصاویر ابتدایی و انتهایی نسخه‌ها است. برخی از نسخه‌های قصص‌الانبیا دارای تصاویر دو تکه‌ای یا دولته‌ای هستند که یا در بخش ابتدایی نسخه و یا در بخش انتهایی قرار دارند. نگاره مورد بحث (تصویر ۱۴) تصویر دو قسمتی نسخه‌ی دوم محفوظ در کتابخانه ملی نیویورک را نشان می‌دهد. این نگاره دو قسمتی پیامبران در بهشت لقب گرفته است.

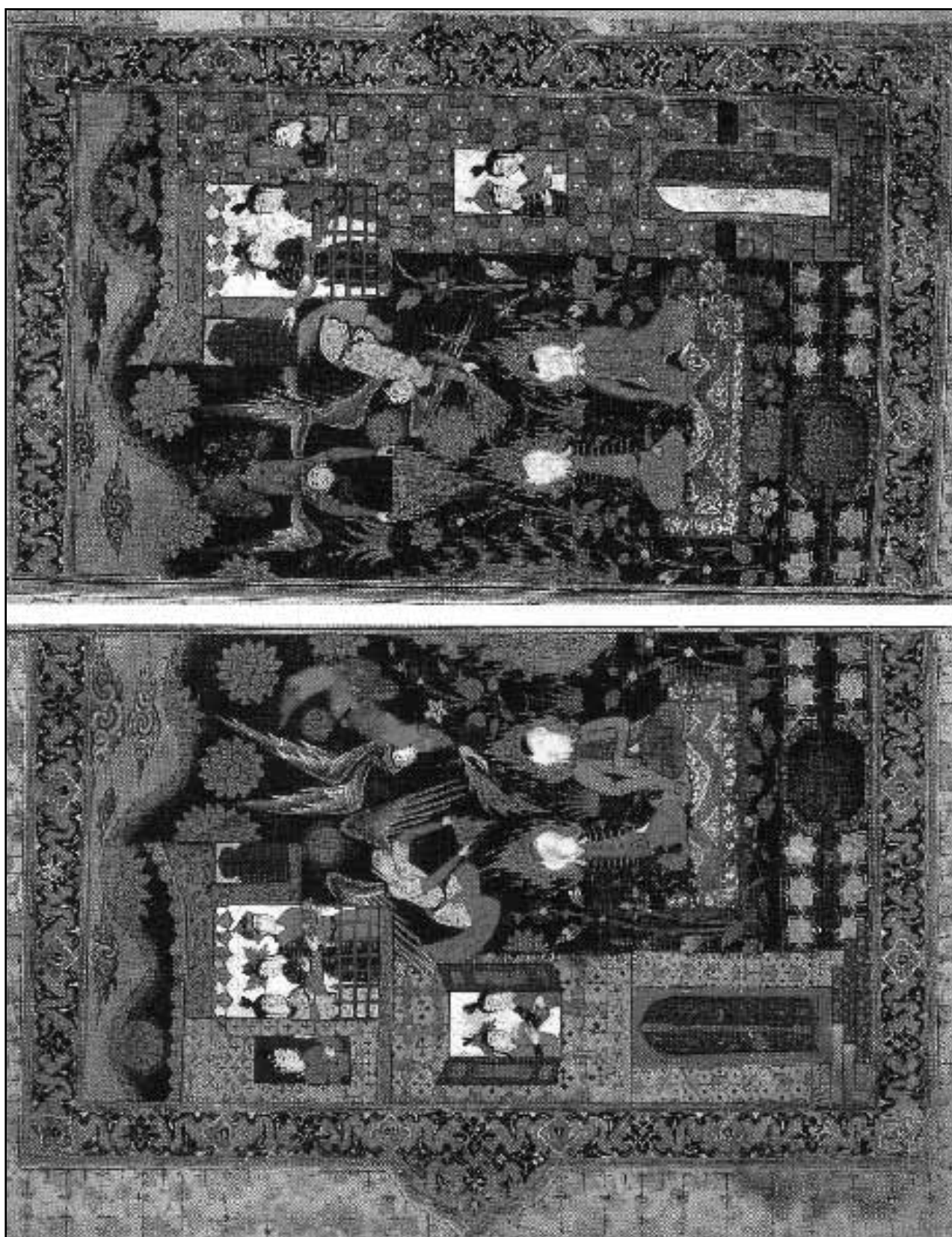
همان‌طور که اشاره شد هدف ارائه این تصاویر در انتهای نسخ، به دست آوردن آرزوی انسان‌ها در رسیدن به بهشت و ملکوت آسمانی است که جایگاه پیروان راه حق و حقیقت است. این نگاره نیز پیامبران خداوند را، در جایگاه برگزیدگان، در بهشت ترسیم کرده است. این نگاره دو قسمتی تا حدودی حالت قرینه دارد (در بخش شکل و هیئت عمارت‌ها). چهار پیامبر با چهره‌های پوشیده، هاله‌های نورانی اطراف سر و بر روی تختی نشسته‌اند و در جلوی آن‌ها حوض و نهر آبی قرار دارد، ترسیم شده اند. بالای سر مبارک هر یک از آن‌ها، فرشتگانی با بال‌های گشاده، که در دستانشان نور است قرار دارند. در عمارت‌های دو قسمت نگاره، افراد دیگری قرار دارند که گویی از بهشتیان و فرشتگان هستند که در دستانشان مائده‌های بهشتی دارند. در میانه دو قسمت نگاره، شعله‌هایی رو به آسمان، مشابه هاله‌های دور سر پیامبران ترسیم شده است. گویی نگارگر می‌خواسته است بدین شیوه، شخص دیگری که مورد احترام است را به تصویر کشد. به احتمال بسیار قوی نگارگر قصد ترسیم تصویر پنج پیامبر اولوالعزم را داشته است که در میان آن‌ها حضرت محمد (ص) به صورت هاله‌ای نورانی تصویر شده است. چهار پیامبر نشسته بر روی تخت حالت و جهت چهره به سمت مرکز یعنی همان شعله و هاله نورانی است. از میان پیامبران و فرستادگان خداوند، پنج نفر برگزیده خداوند است و در این میان جایگاه ویژه خاتم انبیاء محمد مصطفی (ص) ارجح‌تر و بلندتر است. سطح کار پوشیده از گل و بوته‌های بسیار زیبا است. ترسیم گل و بوته‌ها، حوض و نهر آب و عمارت‌هایی در دوسوی آن‌ها،



که به زیبایی باغی بهشتی را نشان می دهد، متأثر از شیوه های معماری در ساخت باغها و گوشک های زیبایی است که انسانها آنها را بر روی زمین ساخته اند تا جلوه ای از بهشت ابدی خداوند باشد. مرتبه خاتم الانبیا محمد(ص)، به این معنی است که او مُهر و ختم کننده ی همه پیامبران پیش از خویش است.



تصویر ۱۲: بالا، از جای درآوردن در قلعه خیبر توسط حضرت علی(ع)، نسخه کتابخانه ملی نیویورک. تصویر ۱۳: پایین، از جای درآوردن در قلعه خیبر توسط حضرت علی(ع)، نسخه هشتم موزه توپ قاپی سرای استانبول.



تصویر ۱۴: پیامبران در بهشت، نسخه‌ی دوم  
کتابخانه نیویورک.



#### نتیجه گیری

در دوران صفویه در میانه سده‌ی شانزدهم/دهم که آغازگر بزرگترین جریان مذهبی که همانا رسمیت‌یافتن مذهب شیعه در طول تاریخ ایران بوده است، تفکرات دینی و مذهبی، در ارتباطات و تحولات گسترده آن زمان، شکلی جدید و جدی به خود گرفت. از این روی، نقل، ترسیم و تصویرسازی کتب مذهبی و از همه مهمتر کتبی با مضامین برگرفته از کتاب آسمانی مسلمانان، قرآن، با استفاده از شیوه‌ها و سبک‌های مختلف آن زمان، که متأثر از هنرهای دوره‌های پیشین هم بوده است، به شکلی جدید مورد توجه قرار گرفت. نکته حائز اهمیت آن است که برخلاف دوره‌های گذشته که تصویرسازی کتب، منحصراً در اختیار دربار بوده است در این دوران به جز کارگاه‌های دولتی و سلطنتی، مراکز و شهرهای مختلفی به صورت مجزا به امر تصویرسازی کتب مذهبی پرداخته‌اند.

نسخه‌های مصور این دوره، به خصوص نسخه‌های مذهبی از جمله قصص‌الانبیا، دارای شیوه‌ها و سبک‌های مختلف اجرایی و تنوع تاریخی و مکانی هستند که تا حدودی با نسخه‌ها و کتب مصور دیگر دوره، تفاوت‌هایی از لحاظ ترکیب‌بندی و، هیئت و پوشش افراد در تصاویر دارند. نگارگران نسخه‌های مصور قصص‌الانبیا به جهت داستان‌های خاص خود شیوه و سبک اجرایی مبتکرانه‌ای داشته‌اند. داستان‌های برگرفته شده در این نسخه‌ها، عموماً داستان‌های مهم برگرفته از قرآن و در بسیاری از موارد معجزات پیامبران و یا عذاب قومی خاص، نقل شده در قرآن است و از این میان داستان‌های پیامبران صاحب کتاب و شریعت حائز اهمیت بوده است و هدف اصلی ترسیم این نوع داستان‌ها، آگاهی بخشیدن و تحت‌تأثیر قرار دادن بینش و تفکر مردم نسبت به آیات قرآنی و حوادث نقل شده در داستان‌های این کتاب مقدس است.





#### فهرست تصاویر

- تصویر ۱: نوح (ع) در حال ساختن کشتی، نسخه‌ی هفتم موزه‌ی توپ‌قاپی‌سرای استانبول، منبع ۳، ص ۲۲۱.
- تصویر ۲: نوح (ع) و پیروانش در کشتی، نسخه‌ی دوم کتابخانه ملی نیویورک، منبع ۳، ص ۲۵۶.
- تصویر ۳: ابراهیم (ع) در آتش هُرد، نسخه‌ی کتابخانه برلین، منبع ۳، ص ۲۷۸.
- تصویر ۴: ابراهیم (ع) در حال قربانی کردن اسماعیل، نسخه‌ی دوم کتابخانه پاریس، منبع ۳، ص ۲۸۱.
- تصویر ۵: ابراهیم (ع) در حال قربانی کردن اسماعیل، نسخه‌ی چهارم موزه توپ‌قاپی‌سرای استانبول، منبع ۳، ص ۲۸۹.
- تصویر ۶: ابراهیم (ع) و اسماعیل بعد از ساختن خانه کعبه نماز می‌گذارند، نسخه‌ی اول کتابخانه ملی نیویورک، منبع ۳، ص ۲۵۳.
- تصویر ۷: تبدیل شدن عصای موسی (ع) به اژدها و پیروزی بر جادوگران و ساحران مصری، نسخه‌ی چهارم موزه‌ی توپ‌قاپی‌سرای استانبول، منبع ۳، ص ۲۶۷.
- تصویر ۸: سخن‌گفتن حضرت عیسی (ع) بعد از ولادت، نسخه‌ی خطی پنجم موزه‌ی توپ‌قاپی‌سرای استانبول
- تصویر ۹: بدل عیسی بر پای چوبه دار، نسخه‌ی کتابخانه برلین، منبع ۳، ص ۲۶۹.
- تصویر ۱۰: حضرت محمد (ص) در آغاز سفر معراج، نسخه‌ی کتابخانه برلین، منبع ۴، ص ۱.
- تصویر ۱۱: معراج حضرت محمد (ص)، نسخه‌ی کتابخانه برلین، منبع ۴، ص ۳.
- تصویر ۱۲: از جای درآوردن در قلعه خیبر توسط حضرت علی (ع)، نسخه‌ی کتابخانه ملی نیویورک، منبع ۳، ص ۲۵۸.
- تصویر ۱۳: از جای درآوردن در قلعه خیبر توسط حضرت علی (ع)، نسخه‌ی هشتم موزه توپ‌قاپی‌سرای استانبول، منبع ۳، ص ۲۵۹.
- تصویر ۱۴: پیامبران در بهشت، نسخه‌ی دوم کتابخانه نیویورک، منبع ۳، ص ۲۵۹.

#### فهرست منابع

- ۱- نیشابوری، ابواسحاق، قصص الانبیا، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی و هنری، ۱۳۷۸
- ۲- رسولی محلاتی، سیدهاشم، تاریخ انبیا، محل نشر تهران، انتشارات علمیه اسلامی، جلد اول، ۱۳۶۸
- 3-Rachel Milston, *Stories of the Prophets*, California: Mazda publishers, 1999.
- 4-Die Freunde Gottes, *Die Bilder welt einer persischen luxu shand schri ftides Jahrhunderts*, museum fur Islamische kunst Staatliche museem zu Berlin, no date.
- ۵- نگرشی کوتاه بر زندگی پیامبر اسلام، موسسه در راه حق، قم، ۱۳۶۱
- ۶- هیئت تحریریه، پیشوای اول حضرت علی (ع)، قم، موسسه در راه حق، بی‌تاریخ
- ۷- شایسته‌فر، مهناز، هنر شیعی، تهران، مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۴
- ۸- رزسگای، ماری، معراج‌نامه، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۵
- ۹- ادیب‌بهرز، محسن، معراج از دیدگاه قرآن و روایات، بی‌جا، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴
- ۱۰- ماری شیمیل، آنه، محمد رسول خدا (ص)، مترجم حسن الاموتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳
- ۱۱- شایسته‌فر، مهناز، تأثیر سیره پیامبر (ص) بر هنر نگارگری و معماری اسلامی، دو فصلنامه مطالعات اسلامی، شماره ۵، ۱۳۸۵، صص ۱۴۰-۱۱۹
- ۱۲- ملوپی، محمدتقی، مقاله «روش‌شناسی قصه در قرآن»، کتاب ماه هنر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شماره ۱۲، شهریور ۱۳۷۸، صص ۲۹-۲۴
- ۱۳- رجبی، محمدعلی، جلوه‌های آیات و اذکار در نگارگری اسلامی ایران، کتاب ماه هنر، تهران، وزارت ارشاد اسلامی شماره ۱۲، ۱۳۷۸، صص ۲۱-۱۶
- ۱۴- مددپور، محمد، نظری و تأملی در باب صورت‌های خیالی اولیای الهی در نگارگری ایرانی اسلامی، ساعت ۲۰: ۸، ۸۶/۱۱/۳۰، [www.aftab.ir/articles/art\\_culture/painting](http://www.aftab.ir/articles/art_culture/painting)
- ۱۵- حسینی، مهدی، قصص الانبیا به روایت تصویر، فصلنامه خیال، تهران، فرهنگستان هنر، شماره ۱۳، ۱۳۸۴، صص ۱۲۱-۱۱۴
- ۱۶- کاظم، مزده، نقد منتخبی از نگاره‌های قصص الانبیا (اواخر قرن یازدهم هـ. ق.)، پایان‌نامه، کارشناسی ارشد صنایع دستی، مهدی حسینی، دانشگاه هنر، ۱۳۸۴
- ۱۷- نگرشی بر قصص الانبیا ابن‌اسحاق ثعلبی و قصص قرآن دلیل رسالت پیامبر اکرم (ص)، ماهنامه گلستان قرآن، شماره ۷۳، ۱۳۸۰، صص ۴۱-۴۰
- ۱۸- قرائتی، محسن، تفسیرنور (تفسیر کامل قرآن)، برگرفته از ساعت ۲۰: ۵، ۸۶/۱۲/۱۴، [www.qaraati.net](http://www.qaraati.net)
- ۱۹- ساعت ۲۰: ۸، ۸۶/۱۲/۷، [www.marlikiran.tripod.com](http://www.marlikiran.tripod.com)
- ۲۰- ساعت ۲۰: ۱۱، ۸۶/۱۲/۱۵، [www.lrib.ir](http://www.lrib.ir)
- ۲۱- ساعت ۲۰: ۹، ۸۶/۱۲/۱۵، [www.shoolnet.ir](http://www.shoolnet.ir)